

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بمناسبت اول ماه مه (روز کارگر)

کارگران و زحمتکشان ایران!
کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران
(اکثریت) با گرم ترین درودها، روز کارگر،
روز همبستگی جهانی زحمتکشان را به شما
رزمندگان پیگیر راه آزادی، استقلال، صلح و
سوسیالیسم، شادباش می گوید.
اول ماه مه تجلی گر همبستگی رزم جویانه
محرومان زمین در پیکار علیه همه مظاهر
محرومیت، علیه استثمار و ستم، تبعیض و

نابرابری، فقر و گرسنگی، جهل و تاریک اندیشی
و استثمار و نژادپرستی است. درفش اول ماه مه
را که از حرکت پیش تازنده اردوی کار، موج
است، در اهتزاز نگهداریم و سنت گرانتدر
همبستگی بین المللی رنجبران را وفادارانه پاس
بداریم.
در جهان سوسیالیسم، امروز کارگران و
تمامی خلق، آرمان اول ماه مه را بازشناسی و به
بقیه در صفحه ۲

اکثریت

نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۸ برابر با ماه ۱۹۸۹
بماباه خریال سال ششم - شماره ۲۵۵

صد سال همبستگی صد سال رزم همبسته

روز حرکت سپاه بی شمار کار، روز نمایش
بالندگی نیروی کار و زحمت، روز خروش
شور انگیز برای دنیایی صلح آمیز و عادلانه، اول
ماه مه روز جهانی کارگر خجسته باد!

صد و سه سال از اعتصاب کارگران شیکاگو که
در روز اول ماه مه سال ۱۸۸۶ به نبرد دی سهمگین
با ارتش سرمایه و جان باختن تعدادی از
کارگران انجامید و صد سال از اعلام این روز،
توسط نخستین کنگره بین الملل دوم، به عنوان
روز همبستگی بین المللی کارگران میگذرد.
دستاوردهای این یک قرن همبستگی بر تارک
تاریخ مبارزات طبقه کارگر و تاریخ بشریت
نشسته اند. پیروزی انقلاب سوسیالیستی ابتداء در
کشور شوراه و سپس در ۱۴ کشور دیگر، ایفای
نقش بی بدیل در غلبه بر فاشیسم، نبرد دوشادوش
با ملل تحت ستم در راه رهایی ملی آنها از قید ستم
و استثمار و پیشبرد مبارزهای راسخ برای صلح و
بقای بشریت بر سرلوحه درخشان پیروزیهای
طبقه کارگر در این صد سال قرار می گیرند. این
همبستگی و فتوحات حاصل از آن، آسان بدست
بقیه در صفحه ۷



روز همبستگی جهانی کارگران گرامی باد!

در این شماره

✱ رژیم ولایت فقیه و نفی ولایت

در صفحه ۳

✱ حفظ محیط زیست

فاجعه پشت در است

در صفحه ۱۰

✱ پیشگامان جنبش سندیکایی ایران

در صفحه ۸

✱ "اروپا را به گونه ای دیگر بنا کنیم!"

در صفحه ۱۲

سنگسار یازده انسان در استادیوم بوشهر

حاکم شرع و رئیس کل دادگستری های فارس
و بوشهر در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد ۱۷
نفر را به جرم فحشا اعدام کرده است.
خبرگزاری ها نیز خبر سنگسار ۱۱ نفر را در
استادیوم بوشهر در برابر هزاران نفر که تماشاگر
این صحنه وحشیانه بودند پخش کرده اند.
سنگسار! سنگسار انسان! سنگ و تمدن!
سنگسار بشریت.

سنگسار یعنی توهین به مقام انسانیت؛
توهین به انسانیت انسان در برابر هزاران چشم به
حیرت فرو رفته. سنگسار یعنی بازگشت به
بربریت، یعنی تف کردن به تمدن انسانی.
بقیه در صفحه ۳

داستان جنایت های جمهوری اسلامی، هر
لحظه در گوشه ای از ایران و هر بار به گونه ای
تکرار می شود. کشتار فردی و جمعی
در زندان ها؛ تجاوز به زنان و دخترانی که "اسیر
حربی" محسوب می شوند؛ به قتل رسیدن
کودکان خردسال در راه مدرسه و ده ها جنایت
دیگر، از وقایعی است که بارها و بارها در ایران
تکرار می شود.

جمهوری اسلامی برای ارتکاب جنایات خود
سلاح ها، ابزار و شیوه های گوناگونی به کار
میبرد: چوچه های اعدام، چوبه های دار، شکنجه
های قرون وسطایی، ... و از همه شیع تر، از
همه وحشیانه تر و پلیدتر، شیوه سنگسار انسان ها
است.

جمهوری اسلامی در صدر جنایتکاران

در صفحه ۳

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

بمناسبت اول ماه مه (روز کارگر)

بقیه از صفحه ۱

کارگیری ظرفیت های درونی سوسیالیسم و تلاش در راه نوسازی و تعمیق دموکراسی سوسیالیستی، پاس می دارند. اول ماه مه در جهان سوسیالیسم، جلوه گاه گسترده ترین و ثمربخش ترین همبستگی ها برای سوسیالیسم بیشتر است.

در دنیای سرمایه داری، دهها میلیون کارگر زحمتکش، تحت رهبری احزاب چپ و اتحادیه های کارگری، با تجدید میثاق در مبارزه به خاطر صلح، دموکراسی و سوسیالیسم، آرمان اول ماه مه را گرامی می دارند. در میهن ما ایران نیز، هلیرفم سیطره استبداد مذهبی، پرچم اول ماه مه، به نشانه ایستادگی و نبرد شما زحمتکشان در برابر بیداد و بهره کشی، و جهل و تاریک اندیشی، همچنان در اهتزاز است.

کارگران و زحمتکشان! اول ماه مه امسال در شرایطی برگزار میشود که هوارض فاجعه بار جنگ هشت ساله ایران و عراق، با تمام ثقل خود بر زندگی تان فشار می آورد. بیکاری وسیع، گرانی کمر شکن و دیگر مظاهر بحران همیق اقتصادی رژیم، همچنان و بیش از همه بردوش شما زحمتکشان سنگینی می کند. رژیم خمینی هلیرفم قطع ناگزیر جنگ، از رفع حالت بسیج جنگی در کشور امتناع کرده و با گرفتار کردن جامعه در شرایطی که "نه جنگ، نه صلح"، دستیابی به صلح پایدار و بازسازی اقتصادی کشور را مختل کرده است. برای پایان دادن به شرایط "نه جنگ، نه صلح" و استقرار صلح پایدار مبارزه کنید.

رژیم تبهکار خمینی پس از پذیرش ناگزیر صلح در تابستان ۷۷، بلافاصله جنگ دیگری را علیه مردم تدارک دید و فاجعه ملی دیگری را با کشتار زندانیان سیاسی کشور پدید آورد. صدها تن از پیگیر ترین رزمندگان راه آزادی و بهروزی مردم، شما کثیری از برجسته ترین نمایندگان و رهبران طبقه کارگر و فعالین پرسابقه جنبش سندیکایی کارگران ایران در زندان های جمهوری اسلامی تیرباران شدند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به خاطر پر فروغ رفقای شهید، کارگران قهرمان، بندهای مرادپور، عباس جعفری، توفیق وثوقی، سهیلا درویش کهن، هلی اصغر ضیفی، حسین قاسم نژاد و دیگر کارگران شهید درود می فرستد. بی شک پایداری فرور انگیز و قهرمانانه آنان الهام بخش همه رزمندگانی خواهد بود که در راه آرمان های طبقه کارگر و بهروزی بشریت پیکار می کنند.

کارگران مبارز! رژیم خمینی، رژیم ترور و اختناق، رژیم سرکوبگر آزادی های سیاسی و سندیکایی و پایمال کننده ابتدایی ترین حقوق دموکراتیک مردم میهن ماست. ترور و اختناق، شکنجه و اعدام، سرکوب سازمانهای سیاسی، انحلال سندیکاها و شوراهای، سانسور مطبوعات، تفتیش عقاید، ترویج خرافه و جهل، تبعیض و تمییزات ارتجاعی علیه زنان، اقلیت های ملی و مذهبی و کشتار خلق های تحت ستم سیاهه های از دهسال تبهکاری این رژیم آزادی کش و مردم ستیز است.

شما کارگران آماج مقدم سرکوبگری رژیم و ذینفع ترین نیرو در مبارزه علیه ولایت فقیه هستید. علیه سرکوب و اختناق، علیه خود کامگی رژیم آخوندی، به خاطر تامین آزادی های سیاسی و سندیکایی مباره کنید. برای آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی اجتماعات، و دیگر آزادی های فردی و اجتماعی، برای حق اعتصاب، حق ایجاد و یا عضویت در تشکلهای سیاسی و دموکراتیک، متحد شوید و مبارزه کنید.

کارگران مبارز! قانون کار مصوب مجلس هلیرفم پذیرش بخشی از حقوق صنفی - رفاهی کارگران، برخی از اساسی ترین حقوق صنفی و سیاسی از قبیل حق کار و امنیت شغلی، حق ایجاد آزادانه تشکلهای صنفی مستقل و حق اعتصاب را پایمال کرده است.

ماده ۲۷ این قانون، همانند ماده ۳۳ قانون کار زمان شاه، امنیت شغلی را از کارگران صلب کرده و دست کارفرما را در اخراج کارگران کاملاً باز

گذاشته است. همچنانکه برای لغو ماده ۳۳ قانون کار شاه به پا خاستید، برای لغو این این ماده و پایان دادن به اخراج های خودسرانه نیز متشکل شوید و مبارزه کنید.

رژیم خمینی، شما را از حق انتخاب آزادانه نمایندگان واقعی خود محروم کرده و پس از سرکوب و انحلال سندیکاها و شوراهای تان، تلاش کرده است قانون ارتجاعی شوراهای اسلامی کار را همراه با انتخاباتی فرمایشی بر شما تحمیل کند. علیه مداخله دولت و کارفرمایان در انتخاب نمایندگان کارگری مبارزه کنید. قانون کار باید حق شما را در تشکیل آزادانه تشکلهای صنفی و دموکراتیک به رسمیت بشناسد.

قانون کار مصوب مجلس، همچنین شما را از حق اعتصاب محروم کرده و در مقابل، دست دولت و کارفرمایان را رسماً و عملاً در سرکوب اعتصاب باز گذاشته است. قانون کار باید حق اعتصاب کارگران را به رسمیت بشناسد و تصریح کند که دولت و کارفرمایان به هیچ صورت اهم از تنبیه، جریمه، اخراج، بازداشت و غیره، حق انتقام جویی را ندارند. برای تامین حق اعتصاب مبارزه کنید.

رژیم آزادی کش و کارگر ستیز خمینی، در قانون کار مصوب مجلس، انجمن های اسلامی را نیز به عنوان تشکلهای کارگری معرفی کرده و مذبحخانه می کوشد انجمن اسلامی را که در واقع انجمن جاسوسی است، به شما تحمیل کند. گنجاندن این ارگان خبرچینی و تفرقه افکنی، این ارگان پرونده سازی و اعتصاب شکنی در قانون کار، اهانتهای آشکار به ساخت حقوق کار کارگران، برای انحلال این لانه های پلیسی رژیم در همه واحدهای تولیدی و خدماتی و حذف آنان از قانون کار مبارزه کنید.

کارگران مبارز و آگاه! رژیم جمهوری اسلامی یک سال و نیم پس از آن که قانون کار اسلامی اش را در مجلس به تصویب رسانده، امروز باین دستاویز که "اجرای آن برای دولت مستلزم تحمل بار مالی سنگین خواهد بود و سرمایه داران نیز با وجود این قانون، سرمایه های شان را در هرصه های تولیدی به جریان نخواهند انداخت" سعی دارد همین قانون عقب مانده و غیر دموکراتیک را نیز مسخ کند. به همین خاطر "مجمع تشخیص مصلحت نظام" از تصویب نهایی آن سر باز زده و آن را به مجلس و شورای نگهبان هودت داده است. این اقدام، بیش از پیش حساسیت رژیم آخوندی را در پاسداری بی خدشه منافع سرمایه داران فارتگر، نمایان می سازد. رژیم خمینی باین اقدام در همین حال می کوشد، با تاکتیک "گرفتن به مرگ برای راضی کردن به تب"، شرایطی را پدید آورد که طبقه کارگر ناگزیر شود سرانجام به همین قانون کار مصوب مجلس رضایت دهد. کارگران آگاه و مبارز باید این توطئه های ضدکارگری را وسیع افشا کنند.

کارگران پیشرو و آگاه! مبارزه کارگران را برای پایان دادن به شرایط جنگ، نه صلح و تامین صلح پایدار، سازمان دهید. علیه سرکوب آزادی های سیاسی و سندیکایی، علیه بازداشت، سرکوب، شکنجه و اعدام آزادیخواهان و رهبران جنبش کارگری اعتراض کنید. برای نجات جان زندانیان سیاسی و آزادی آنها پیکار کنید.

بسیج و سازمانگری توده کارگران حول مطالبات اساسی و مبرم صنفی و سیاسی وظیفه مرکزی شما است. هسته های مخفی کارگری را به ویژه در واحدهای کلیدی و صنایع بزرگ سازمان دهید و از همه امکانات فعالیت هلی برای جذب توده کارگران و تدارک تشکلهای صنفی مستقل استفاده کنید. ضوابط ضد دموکراتیک قانون شوراهای اسلامی کار را افشا کنید، مبارزه کارگران برای برگزاری انتخابات آزادانه تشکلهای صنفی را سازمان دهید. اعتراض کارگران علیه ماده ۲۷ را متشکل کنید. تشبیهات بیشرمانه خمینی، سرحدی زاده و دیگر سران هوام فریت رژیم در توجیه ضرورت ریاضت کشی کارگران و هدم مطالبه افزایش دستمزدها را پیگیرانه افشا کنید. برای افزایش سطح حداقل دستمزد، بهبود وضعیت تعاونی های

بقیه در صفحه ۱۳

رژیم ولایت فقیه و نفی ولایت

به دنبال برکناری منتظری از جانشینی خمینی رژیم ولایت فقیه با تمام شتاب در تدارک است تا هر چه زودتر قبل از مرگ خمینی مساله جانشینی وی و جنگ قدرت در حکومت رابه سرانجام رساند. پس از کنار نهادن منتظری، خمینی به مجلسیان و شورای عالی قضایی تکلیف کرد از وی بخواهند تا حیاتی را برای تغییر قانون اساسی تعیین کند. همانگونه که در شماره های گذشته نشریه ذکر شده، از سوی ۱۶۶ تن از نمایندگان مجلس و شورای عالی قضایی نامه هایی برای خمینی ارسال شد و در آنها تعیین حیاتی جهت تغییر قانون اساسی در راستای تعیین رهبری، تمرکز قدرت در قوه مجریه و برخی تغییرات در مواد مربوط به قوه قضائیه و رسانه های گروهی خواسته شد. خمینی مجلس خبرگان را هلیفرم وظیفه ای که سنتها در این زمینه در جمهوری اسلامی برهمه داشته است، از نظر ترکیب، نامطلوب دانست. ترکیبی که خمینی برای هیات تدوین اصلاحیه قانون اساسی در نظر گرفته است تا حد زیادی اهداف و سمت و سوی تغییرات مورد نظر را روشن می کند. طی هفته گذشته خمینی ۲۵ نفر را به عنوان اعضا هیات تغییر قانون اساسی و تدوین متمم آن تعیین کرد.

قرار است این جمع طرح تغییرات راتحیه کند تا پس از تایید خمینی، در نمایشی به نام فرمانده به آن رسمیت داده شود. ترکیب هیات مزبور به این ترتیب توسط خمینی تعیین شده است که بر مسئولین قوای سه گانه (رئیسجانی، خامنه ای و موسوی اردبیلی)، برخی اعضا مجلس خبرگان و اعضا مجمع تشخیص مصلحت، ۵ تن از نمایندگان مجلس افزوده شوند. این ۵ نفر عبارتند از حسین هاشمیان، نجف قلی حبیبی، هادی خامنه ای، عباسعلی امیر زنجانی و اسدالله بیات.

موسوی نخست وزیر در هفته گذشته از طرح انحلال پست نخست وزیری پشتیبانی کرد و اعلام داشت که این طرح مبتنی بر هدم تعدد مراکز قدرت بوده باعث تسریع در تصمیم گیری ها خواهد شد.

ظاهرا اکنون بحث ها و

کشمکش ها در جمهوری اسلامی بر سر تعیین یک شورای رهبری و یا یک فرد به عنوان جانشین ولایت فقیه متمرکز شده است. تناقضی که رژیم با آن مواجه است این است که از سویی در سلسله مراتب آخوندی امکان تعیین فردی به عنوان جانشین ولی فقیه با کارکردی همچون خمینی وجود ندارد از سوی دیگر تعیین یک شورای رهبری خود تشدید کننده بحران دوایر قدرت در جمهوری اسلامی بوده و خلاف روند تمرکز قدرت و تصمیم گیری هاست که مقامات رژیم در پاسخ به بحران همه جانبه بویژه در شرایط مرگ خمینی به آن نیاز دارند.

موسوی خوئینی ها در مصاحبه با کیهان ۳۱ فروردین که با درشت ترین تیترها در صفحه اول بازتاب یافت، تاکید کرده است که تردید ندارد "رهبری جامعه به صورت شورایی یک فاجعه است"، وی در این مصاحبه اعلام کرده است که در هر صحنه هایی که قرار است در قانون اساسی تغییر داده شود می بایست هدف هر چه متمرکز کردن قدرت مد نظر قرار گیرد و بر این اساس تاکید می کند که پست نخست وزیری می بایست حذف شود و مسئولیت های آن به رئیس جمهور منتقل شود، دستگاه قضایی دارای یک رئیس قوه قضائیه به عنوان هایتترین مقام آن باشد و رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل فقط سمت قضایی داشته باشند، تعداد نمایندگان مجلس اسلامی کاهش یابد و مسئول واحدی برای صدا و سیما در نظر گرفته شود. موسوی خوئینی ها به عنوان یکی از عناصر با نفوذ جناحی که در برکناری منتظری و وقایع اخیر مواضع خود را تقویت کرد در این مصاحبه خود بر ضرورت تفکیک رهبری از مرجعیت تاکید کرده و در پاسخ به این سوال که آیا این به معنی جدایی دین از سیاست نیست می گوید: "به اعتقاد بنده اصلا منطقی نیست که کسی بگوید شرط رهبری مرجعیت است... آیا شرط رهبری مرجعیت است یا (می تواند) یک اسلام شناس در سطح عالی و به تعبیری مجتهد باشد."

قبل از برکناری منتظری، برای وی این نقش در نظر گرفته شده بود که به عنوان رهبر اسمی و ظاهری

در صحنه باشد و دولتمردان را از نصایح خود بهره مند کند و رفسنجانی و دیگران کار شاق حکومت کردن را برهمه گیرند اما منتظری با تن دادن به برخی سیاست های خمینی از ایفای این نقش استنکاف کرد. بعدا تلاش بر این قرار گرفت که همین نقش به یک شورا سپرده شود شورایی که هملا تنها نقش مشورتی داشته باشد. در سر مقاله روزنامه اطلاعات در روز ۶ اردیبهشت در زمینه "حل مساله رهبری" پیشنهاد شده است که رفسنجانی به عنوان رئیس شورای مرکب از جمعی از بزرگان مذهبی و سیاسی تعیین شود و رفسنجانی در مقام رئیس این شورا حق وتوی تصمیمات آن را داشته باشد. در روز سه شنبه ۵ اردیبهشت نیز اولین جلسه هیات بررسی و تدوین متمم قانون اساسی تشکیل شد رئیس این جلسه، مشکینی و نواب آن رفسنجانی و خامنه ای بوده اند. آنچه که از شواهد می توان استنتاج کرد این است که چه یک هیات به عنوان شورای رهبری برگزیده شود و چه "یک اسلام شناس در سطح عالی و به تعبیری مجتهد" به عنوان رهبر برگزیده شود هر دو معنای واحدی دارند و آن اینکه نظام ولایت فقیه هملا به نفی ولایت فقیه پرداخته

سنگسار یازده انسان...

بقیه از صفحه ۱
هفته گذشته، در استادیوم بو شهر یازده انسان را تا کمر در خاک فرو کردند، و با سنگهایی که شرع منور اندازه شان را تعیین کرده است، کیودشان کردند، زجر کشان کردند. یازده انسان را در برابر چشمان هزاران تن با سنگ هایی که نباید آنقدر بزرگ باشند که زود قربانی را خلاص کنند و نه آنقدر کوچک که آسیبی به وی نرسانند، به قتل رساندند.

جمهوری اسلامی در صدر جنایتکاران

سازمان هغو بین الملل با انتشار بیانیه ای در مورد نقض حقوق بشر در جهان، بار دیگر رژیم جمهوری اسلامی را بخاطر اعمال شکنجه و اعدام زندانیان محکوم کرد. هغو بین الملل در گزارش خود صد کشور جهان را بخاطر اعمال مجازات اعدام مورد انتقاد قرار داد و از حکومت های ایران،

مرگ، ویرانی، کشتار، توهم، تحقیر، فساد، دزدی... جمهوری اسلامی یعنی تک تک این اسامی. جمهوری اسلامی یعنی همه اینها. رژیم فقا به بهانه مبارزه با فساد، خود کثیف ترین نوع فساد را به نمایش می گذارد. سنگسار کردن انسان ها در جمهوری اسلامی چیزی نیست جز نمایش پوسیدگی اندیشه فاسدی که راهبر این رژیم از گور هزار ساله به در آمده است.

هرستان سعودی، قطر به عنوان کشورهای که شدیدترین شکنجه ها را اعمال می کنند نام برده شده است. همچنین ذکر شده است در کشورهای ایران، عراق، بنگلادش، پاکستان، آمریکا و باربادوس مجازات اعدام در مورد نوجوانان نیز به کار برده شده است.

نخستین جلسه بررسی و تدوین متمم قانون اساسی

چهارشنبه هفته گذشته اولین جلسه هیئت بررسی و تدوین متمم قانون اساسی با شرکت احمد خمینی در نهاد ریاست جمهوری برگزار شد. خامنه‌ای در این نشست اعلام کرد که امیدوار است در نزدیکترین زمان ممکن نظر خمینی در مورد تدوین قانون اساسی تأمین شود... وی بازنگری مجدد به قانون اساسی را مسئله‌ای طبیعی عنوان کرد و در این نشست مشکینی به عنوان ریاست جلسات و رفسنجانی و خامنه‌ای به عنوان نایبین رئیس جلسه و محمد یزدی و حبیبی به عنوان منشی جلسات تعیین شدند. همچنین قرار شد که نشست این جلسات در مجلس اسلامی صورت گیرد.

لازم به تذکر است که در این هیئت اعضای شورای نگهبان، شورای مصلحت و ۵ تن از نمایندگان مجلس اسلامی شرکت دارند و اسدالله بیات، حسین هاشمیان، نجف علی حبیبی، هادی خامنه‌ای و عباسعلی امیرزنجانی به عنوان ۵ تن عضو مجلس اسلامی در این هیئت تعیین شده‌اند.

ادامه دستگیری‌ها در ارتش

همانطور که در شماره قبل نشریه "گزارش" شد، دستگیری‌های وسیعی در ارتش و دیگر ارگان‌های دولتی صورت گرفته است. در ادامه انتشار خبر فوق که برای اولین بار از جانب رفسنجانی در نماز جمعه دو هفته قبل اعلام شد، موسوی نخست‌وزیر اسلامی و ری شهری در مصاحبه‌های مختلف اعلام کردند که افراد شبکه‌های دستگیرشده، علاوه بر تماس با سفارتخانه‌های آمریکا، با سفارتخانه‌های برخی کشورهای اروپایی خصوصاً آلمان فدری و چند کشور منطقه در ارتباط بوده‌اند و اطلاعات ردو بدل می‌کرده‌اند.

آنها در این مصاحبه از دستگیری تعدادی از افسران ارتش و همچنین کارمندان بلندپایه دولتی که در پستهای حساس قرار داشته‌اند نام برده‌اند. هم موسوی و هم ری شهری از اهدام کامل تعداد و نام دستگیرشدگان خودداری کردند. موسوی و ری شهری دولت آمریکا را متهم به نقض معاهده لاهه و دخالت در امور داخلی ایران متهم کرده و اعلام نمودند که علیه دولت آمریکا به دادگاه لاهه شکایت خواهند کرد. همچنین دولت ایران به دولت آلمان فدری بخاطر فعالیت اطلاعاتی سفارتخانه‌های این کشور به نفع سازمان اطلاعاتی آمریکا ضمناً اعتراض کرد. این در حالی است که دولت بن هر گونه فعالیت در این راستا را تکذیب نموده است.

هر چند رفسنجانی اهدام سه تن از افسران نیروی دریایی را تکذیب کرد اما شواهد حاکی از آن است که تعدادی از دستگیرشدگان که عمدتاً از افسران ارتش بوده‌اند اهدام شده‌اند. همچنین برخی گزارش‌ها حاکی از این است که تعدادی از افسران مزبور از مدت‌ها پیش دستگیر شده و اتهام جاسوسی به نفع آمریکا به آنها زده شده است.

نمایندگان ائتلاف هفت گانه در تهران

گروه حل نخواهد شد. وی گروه‌های ضد انقلاب افغانی را به اتحاد دعوت نمود. هم خامنه‌ای و هم ولایتی ضمن اعلام تغییر و تحولات در اوضاع منطقه و جهان که بی‌ارتباط با تهاجم سیاست صلح دولت شوروی و دولت جمهوری افغانستان نمی‌باشد و تأثیر این سیاست‌ها در تضعیف و منفرد ساختن نیروهای ضدانقلاب افغانی، اعلام کردند: سرنوشت ملت افغانستان را با سرنوشت ملت خود مرتبط می‌دانیم. خامنه‌ای در این دیدار مجدداً بر سیاست مداخله جویانه حکومت اسلامی تأکید کرده و در ادامه سیاست ارتجاعی دخالت در امور افغانستان افزود: امنیت ملی کشور مانع از مصالح افغانستان قابل تفکیک نیست و قضایا و مسائل افغانستان برای ما مهم است و ما نمی‌توانیم نظاره‌گر باشیم. لازم به تذکر است در چند ماه اخیر تلاش‌های ضدانقلاب افغانی برای ایجاد وحدت بین خود با شکست روبرو گشته و همچنین حملات دستجات و باندهای مسلح، به شهر جلال‌آباد که با حمایت ارتش پاکستان صورت گرفته بود با شکست کامل روبرو گردیده است. در این حملات تعداد زیادی از این افراد به هلاکت رسیده‌اند.

برگماری اعضای هیات نظارت

بر انتخابات ریاست جمهوری

از سوی "شورای نگهبان" اعضا هیات مرکزی نظارت بر انتخابات پنجمین دوره ریاست جمهوری تعیین شدند. روابط عمومی شورای نگهبان، محمد یزدی را به عنوان رئیس هیات مرکزی، دکتر حسین مهرپور را به عنوان نائب رئیس و احمد هلیزاده را به عنوان دبیر این هیات اعلام نمود. ضمناً سیدرضا تقوی، علی آرا، مصطفی ضرابی و اصغر گرانباه پور به عنوان اعضای هیات و علی‌رخ صفت، عزت‌الله دهقان و محمدباقر نویسی به عنوان عضو علی‌البدل تعیین شدند.

با توجه به تغییراتی که باید در قانون اساسی فقها داده شود و اعلام مسئله تمرکز قدرت که از جانب برخی مسئولین حکومتی عنوان می‌شود و دادن اختیارات بیشتر به ریاست جمهوری سردمداران حکومت به این دور از انتخابات ریاست جمهوری با حساسیت ویژه‌ای برخورد می‌کنند.

بودجه امور آموزشی و فرهنگی

خصوصی افزایش می‌یابد

در نشست "شورای عالی انقلاب فرهنگی" که در روز سه‌شنبه برگزار شد، این شورا ضمن تذکراتی به وزیر فرهنگ و آموزش در مورد نحوه گزینش دانشجویان برای جلوگیری از جوسازیها و همچنین در ارتباط با انتخاب "هسته گزینش" بویژه در امور گزینش دانشجویان اعزام به خارج، مقرر گردد تا بودجه امور آموزش و فرهنگ خصوصی افزایش یابد.

برهان‌الدین ربانی سرکرده "جمعیت اسلامی" که در راس یک هیئت نمایندگی از پاکستان هازم تهران شده بود در روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه با ولایتی وزیر خارجه و خامنه‌ای رئیس‌جمهور حکومت اسلامی ملاقات و مذاکره کرد. این هیئت که گروه‌ها ائتلاف هفت گانه افغانی را نمایندگی می‌کنند ضمن تشکر از حمایت‌ها و کمک‌های جمهوری اسلامی به مهاجرین و "مجاهدین افغان" گزارشی از وضعیت سیاسی - نظامی افغانستان و درجبهه جنگ اطراف شهر جلال‌آباد به مسئولین حکومتی ایران ارائه داد. در این مذاکرات هم برهان‌الدین ربانی و هم خامنه‌ای از وضعیت دشوار ضدانقلاب افغانی بطور ضمنی یاد کردند. برهان‌الدین ابراز امیدواری کرد که وضعیت جبهه جنگ در اطراف جلال‌آباد بعد از بهبود و مساعد شدن شرایط جوی به نفع مجاهدین تغییر کند. وی در این مذاکره هدم پیشرفت فعالیت "مجاهدین" را سردی شدید هوا و بارش برف اعلام نمود. خامنه‌ای نیز ضمن ادای این مطلب که امروز شرایط پیشبرد مبارزه نسبت به گذشته بسیار دشوارتر شده، اعلام کرد که مشکل افغانستان تنها با نمایندگی یک

دور چهارم مذاکرات صلح

به بن بست رسید

چنانکه قبلاً نیز پیش‌بینی می‌شد دور چهارم مذاکرات صلح بین وزرای خارجه ایران و عراق که در ژنو برگزار شده بود در روز یکشنبه هفته گذشته با بن بست کامل روبرو گردید و مذاکرات به دور جدیدی که قرار است در اوایل تیرماه برگزار شود موقوف گردید.

هم ولایتی و هم طارق هزیز وزرای خارجه حکومت اسلامی و رژیم بغداد بعد از بازگشت به تهران و بغداد دولتهای یکدیگر را متهم به کارشکنی در پیشبرد مذاکرات نمودند. ولایتی در تهران اعلام کرد که هیئت نمایندگی عراق دارای اختیارات لازم برای پیشبرد مذاکره نیست و از کارشکنی دولت عراق در اجرای طرح چهارماده‌ای دبیر کل سازمان ملل نام برد. ولایتی خروج نیروها به پشت مرزهای بین‌المللی و مبادله اسرای جنگی را شرط پیشرفت مذاکرات و اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت دانست.

طارق هزیز در بغداد در نشست هیئت وزیران این کشور گفت: هیئت ایرانی در اعلام هدف خود برای دستیابی به صلح صادق نیست. وی بحران داخلی و رقابت‌های درونی سران حکومت اسلامی را عامل عدم داشتن اختیار کلی هیئت ایرانی برای تصمیم‌گیری در مذاکرات صلح قلمداد کرد.

هیئت نمایندگی عراق لایروبی اروندرود را به عنوان پیش‌شرط برای رسیدن به هر گونه توافق بین دو کشور دانست.



کتابخانه عمومی جلوی دانشگاه

بخشی از یک نامه:
...از جاهای پررونق تهران،
کتابفروشی‌های روبروی دانشگاه
تهران و دست‌فروشی‌های جلوی آن
است. در حالی که به دلیل کمبود
کافذ کتاب‌ها به قیمت‌های بالا و در
بازار سیاه به فروش می‌رسد،
کتاب‌های دست دوم توسط این
دست‌فروش‌ها به قیمت‌های
پایین تر عرضه می‌شود.
خریداران کتاب پس از خواندن
کتاب، می‌توانند همان کتاب را با
قیمتی ده درصد پایین تر از
خریدشان به فروشنده برگردانند.

بدین ترتیب هملا یک کتابخانه
عمومی در روبروی دانشگاه ایجاد
شده است. اشتیاق به کتاب و
مطالعه بسیار زیاد است. گفته
می‌شود ترجمه کتاب آیات
شیطانی نیز مخفیانه دست به دست
می‌شود و قیمت آن بین ۳ تا ۶ هزار
تومان ذکر شده است.

سرمی‌زند. مثلاً همین چندی پیش
بود که در خوابگاه پسران دانشگاه،
وقتی برق قطع شده بود
دانشجویان به عنوان اعتراض
افتشاش کردند و در بیرون
خوابگاه آتش روشن کردند. خوب
این آتش‌ها را به پا می‌کنند و آنها هم
این "تطمع‌نامه‌ها" را
می‌دهند...

مرگ بر کمیت

بخشی از یک نامه:
...سبزه‌سدر امسال را مردم
وسیعا جشن گرفتند بطور گروهی
به شادی و پایکوبی پرداختند. در
تهران هده زیادی در پارک‌ها و در
باغات کرج سبزه‌سدر را برگزار
کردند. در پارک ملت در این روز
بین مردم و کمیت‌چی‌ها درگیری
به وجود آمد. وقتی پاسداران و
گشت‌های کمیت‌به چند خانواده در
مورد رعایت شئون اسلامی تذکر
داده و معترض آنها شدند، مردم
زیادی دخالت کرده و با شعار مرگ
بر کمیت‌ها، پاسداران و کمیت‌چی‌ها
را به عقب‌نشینی واداشتند. گفته
می‌شود که شعار مرگ بر خمینی
نیز داده شد.

...خلاصه اینکه نتیجه‌ای که از
"قطعنامه" به اجرا درآمده این
است که شلوار نباید زیاد تنگ باشد،
نباید زیاد گشاد باشد و نیز نباید زیاد
کوتاه باشد. در ضمن خندیدن بیجا
هم معنی ندارد. ... در ضمن فکر
نمی‌کنم برنامه‌های کنسرت
موسیقی ایرانی که به تازگی در
مناسبت‌های مختلف مثلاً تولد
حضرت محمد برگزار می‌شد و در
آنها خواهران و برادران شرکت
می‌کردند، دیگر برگزار شود.
چون همیشه یک هده‌ای هستند که
موازین اسلامی را رعایت نمی‌کنند
و مثلاً به جای اینکه صلوات
بفرستند، کف می‌زنند! ... از
دانشجویان دانشگاه شیراز این
کارهای فیراسلامی همیشه

آتشی که در دانشگاه شیراز به پا شد!

بخشی از یک نامه:
...راستی چند روز پیش
هده‌ای از دانشجویان دختر با
هده‌ای دیگر از دانشجویان پسر از
طرف تربیت بدنی دانشگاه شیراز
برای بازدید از یک محل تاریخی
به نام "فارشاپور" به اردو
می‌روند. متأسفانه خواهران
موازین اسلامی را رعایت
نمی‌کنند، مثلاً پاهای شلوارهایشان
را بالامی‌زنند و در آب می‌روند! و
مقتضه‌هایشان را برمی‌دارند و
از همه بدتر سرودهایی را که نباید
بخوانند می‌خوانند مثلاً
"مرايوس" و سرودهای
فیراسلامی دیگر، آن هم به طور
دسته‌جمعی! ...

...وقتی خبر این اعمال
فیراسلامی به گوش مقامات
می‌رسد، مسئولین این اردو را
به جرم آنکه باعث شده‌اند موازین
اسلامی رعایت نشود، یعنی به جرم
اینکه دانشجویان را در انجام
اعمال فیراسلامی آزاد گذاشته
بودند و به جرم اینکه هده‌ای از آنها
حتی مشوق و باعث اجرای این
اعمال بودند، بازداشت می‌کنند. در
دانشگاه هم به همین خاطر
سخنرانی‌هایی برضد این اعمال
فیراسلامی ایراد می‌شود. خلاصه،
از سه روز پیش امت حزب الله
قاصدخانه‌تر حمل می‌کند. حالا دیگر
پوشیدن لباس‌های مبتذل مثل
شلوار جین، جوراب‌های سفید و
مانتوهای مدل‌دار برای دختران
ممنوع شده است. به غیر از سهرنگ
مشکی، قهوه‌ای و سرمه‌ای،
رنگ‌های دیگر ممنوع است و
قطعنامه‌ای هم صادر شده است
که: "میچگونه خواهر و برادری
حق صحبت با یکدیگر را در سطح
شهر ندارند."

واقعیت تلخ!

کیمیاخان
دوشنبه ۲۸ فروردین ۱۳۶۸
مرد بیگوار، بخاطر بدقولی در تحویل
خودرو، دست به خودکشی زد

کشید.
قنبرزاده در حالی که از
شدت درد بخود می‌پیچید به
خبرنگار خبرگزاری جمهوری
اسلامی که شاهد این واقعه
بود، اظهار داشت: پنج سال
پیش شصت هزار تومان با
پرداخت نزول قرض کردم تا
بتوانم یکمده وانت‌باریکان را
که در قرعه‌کشی برنده شده
تاکنون مرا که بیکار هستم
دوانداند و از تحویل این
خودرو به من خودداری
کرده‌اند.

مردی عیالوار و بیکار،
روز گذشته پس از پنج سال
حصولی وقتی شنیذ تحویل
وانت‌بارش از سوی وزارت
صنایع متکین یک هفته دیگر
به تعویق افتاده است، با
خودن هم در مقابل‌ماختان
وزارت صنایع متکین دست‌به
خودکشی زد.

سلیم قنبرزاده فرزند قدرت
ساکن قرچک و ورامین نزدیک
شهر دیروز پس از آنکه نگهبان
وزارت صنایع متکین کاروی
را به هفته آتیته موکول
کرده، یک هفته هم را که
از قبل آماده کرده بود سر

زندگی مردم ماچنان در کلاف
مشکلات بی‌شمار تنیده شده که
گذران آن کاری است بسیار
دشوار. صفوف بی‌شمار بیکاران هر
روز تشرده‌تر می‌شود. هر روز بر
شمار مردمانی که از فشار بیکاری
به دست‌فروشی، پبله‌وری و سایر
شکل‌های بیکاری پنهان
می‌پیوندند افزوده می‌گردد.
دستیابی به هر یک از این شغل‌های
کاذب نیز به سبب متقاضیان
بسیاری که دارند، کار ساده‌ای
نیست، برای تهیه یک چرخ دستی
هم سرمایه زیادی لازم است. باید
مدت‌ها در نوبت ماند، دردسر
بسیاری باید متحمل شد و دم
واسطه‌ها را باید دید.
تهیه وانت‌بار که جای خود
دارد، سال‌ها باید در لیست انتظار
بود و تازه موهد تحویل هم که شد،
نوبت این ماه و آن ماه کردن‌های
مسئولین وزارت صنایع می‌رسد.
آنچه کلیشه شده، واقعه
تلخی است که هر روز و شاید به
دفعات در میهن ماکرار می‌شود.

انترناسیونال

اوژن پوتیه سراینده سرود انترناسیونال

اوژن پوتیه، سراینده سرود انترناسیونال در خانواده‌ای فقیر به دنیا آمده بود و در سراسر زندگی رنجبارش، یک فقیر، یک پرولترباقی ماند.

از سال ۱۸۴۰ به بعد او با سروده‌های رزمی و شورانگیز خود، وجدان طبقاتی کارگران ناآگاه را بیدار می‌ساخت و آنها را به اتحاد و همبستگی در مبارزه با بورژوازی و حکومت‌های بورژوازی فرانسه فرامی‌خواند.

در روزهای کمون پاریس، پوتیه به عنوان عضو کمون انتخاب شد. از ۳۶۰۰ رای ریخته شده ۳۳۲۵ رای نصیب وی شد.

سرود مشهور او - انترناسیونال - در ژوئیه ۱۸۷۱ یعنی در فردای شکست خونین ماه مه، سروده شد. در هشتم نوامبر ۱۸۸۷ کارگران پاریس جسد اوژن پوتیه را با شکوه بسیار به گورستان "پیرلاشیز" حمل کردند، جاثیکه کموناردهای تیرباران شده دفن شده‌اند.

یادو یادگار شگرامی باد

بر خیز، ای داغ لعنت خورده

دنیای فقر و بندگی

جوشیده خاطر ما را برده

به جنگ مرگ و زندگی.

باید از ریشه بر اندازیم

کهنه جهان جور و بند

وانگه نوین جهانی سازیم

هیچ بودگان هر چیز گردند.

روز قطعی جدال است، آخرین رزم ما

انترناسیونال است، نجات انسانها

بر مانمی بخشد رهایی

خدا، نه شه، نه قهرمان

بادست خود گیریم آزادی

در پیکارهای بی‌امان

تا ظلم از عالم برویم

نصمت خود داریم به دست

دمیم آتش را و بگویم

تا وقتی آهن گرم است

روز قطعی جدال است، آخرین رزم ما

انترناسیونال است، نجات انسانها

تنها ما توده جهانی

اردوی بی‌شمار کار

داریم حقوق جهانی

نه کم خونخواران فدار

فرد، و وقتی رهد مرگ آفر

بر دژ خیما و رهنان

بر ما، در این عالم سراسر

تابد خور شید نور افشان

روز قطعی جدال است، آخرین رزم ما

انترناسیونال است، نجات انسانها

خانه‌ام کجاست

دقیقه نمی‌شود تاب آورد. از زباله‌های ریخته شده و توالتهای شسته نشده بوی تعفن بلند است و به گفته خیلی‌ها بیماری‌های پوستی و خطرناک شیوع پیدا کرده است و جان ساکنان خردسال - بیش از همه این گل‌های قاصدک لطیف - و جوان و میانسال را در معرض خطر جدی قرار داده است. و هیچ سازمان یا مسئول دلسوزی گوشه‌چشمی به این مکان از یادرفته و پشت ندارد که پنداری دیرزمانی است اشباح هم از آنجا متواری شده‌اند.

می‌پرسند چرا باین اوصاف آنجا زندگی می‌کنید؟! برای اینکه ارزان‌ترین است. چون می‌شود در اتاق‌های چهارنفره، ۱۰ نفر پناهنده آواره و بی‌چیز و بی‌پشت و پناه را جاداد، برای اینکه گوش‌شنوا و چشم‌بینایی نیست که مسائل و مشکلات هدیده مارا بشنود و امیانا ببیند.

و تمام این گفته‌ها به یک لحظه دیدن مسئولان امور پناهندگی از جا و مکان و موقعیت به‌فایت دردناک ما، نمی‌ارزد. از آنها درخواست کرده‌ایم بیایند و با چشم خود، محل زندگی ما را ببینند، اما آنها آنقدر همت ندارند و برایمان ارزش قائل نیستند که برای لحظه‌ای هر چند کوتاه هم که شده، قدمی رنج‌کنند و سری به این مکان مخوف، به دخمه مخروبه ما پناهندگان بزنند.

و لگد در برابر زکنی و جانان رانجات بدهی.

در هر طبقه چند سطل کوچک آشغال است که آشغال‌ها بیشتر از آن‌که درون سطل ریخته شده باشند روی زمین پخش و پلا هستند. هر طبقه حمام و دستشویی هم دارد؟! اما بدون آب گرم و حتی بیشتر اوقات بدون آب سرد. خصوصا در زمستان کمبود شدید آب گرم برای استحمام بسیار زجرآور و کشنده است. و هیچکس جوابگوی هیچ چیز نیست. در حمام‌ها وان هست ولی سردوشی نیست. سیفون تمام توالتهای از کار افتاده و خراب است و یا اصلا سیفونی ندارد. در هیچ کدام از توالتهای دستمال‌کافتی پیدا نمی‌شود. اتاق‌های دوتخته و سه‌تخته و بالاتر هم دارد؟! البته اکثرا بدون دروپیکر

درست و حسابی و پنجره‌های بی‌شیشه، که یا شکسته‌اند و یا ترک خورده‌اند و به جای شیشه با کارتن و پتو و ملافه جلوی نفوذ سرما را گرفته‌اند. در اکثر اتاق‌های دوتخته و سه‌تخته شش الی یازده نفر زندگی می‌کنند، نشست و برخاست می‌کنند و می‌خوابند. پناهنده‌ها با کمبود جا، ملافه و پتوی بهداشتی و کلیه امکانات رفاهی ساده و اولیه‌ای که هر هتل مستلزم به محیا کردن آنهاست، دست به‌گریبانند. در راهروی هیچ طبقه‌ای بیش از چند

گوشه سالن در میان گرد و غبار ساکن و کهنه ایام در هتل روی هم ولو شده‌اند. در واقع انباری است نه سالن انتظار. در هر روز مطلقا نمی‌شود با آسانسور هفت طبقه را بالا و پایین رفت. سطل‌های زباله و ملافه‌های چرک را مستخدم بی‌خیال در آسانسور می‌چپاند و آنها را قرق می‌کند. بعد سطل‌های بزرگ آشغال را کشان کشان از دخمه هتل به خیابان می‌برد و رو بروی در هتل می‌کارد و آنجا جشن پرسوروسات مگس‌هاست. در امتداد خط آشغال‌ها در راهرو هتل آب زرد رنگ و کشینی به جامانده است. مستخدم ملافه‌ها را روی زمین می‌کشد و به اتاق چرکتاب و پر از میکروب و نمور پرتاب می‌کند.

و شبها از آسانسور استفاده کردن کار خطرناکی است، چراکه داخل آسانسور چرافی نیست و بایست با کبریت یا فندک دنبال دگمه‌ها، کورمال-گشت و یکی را فشار داد. احتمال اینکه آسانسور در وسط راه بسته به میلش بایستد فراوان است، آنوقت نه پایین می‌رود نه بالا می‌آید. گاه می‌شود دگمه طبقه سه را می‌زنی و سراز طبقه هفتم در می‌آوری و مجبوری دوباره از راه‌پله‌ها برگردی پایین و یا برعکس. و اگر هم آسانسور امیانا در طبقه مورد نظر بایستد باید با فشار

گزارش دریافتی از آتن...

بقیه از صفحه ۱۶

تمام وسایل مستعمل و اسقاطی دقیناوسی در آنجا یکجا جمع شده‌اند و فیر قابل مصرف. ۷۰۰۰۰ فرگاز زنگ زده و به درد نخور وجود دارد که از آن همه فقط دوشعله کار می‌کند و تمامی هتل باید با همین دو شعله کم‌جان غذای روزانه خود را درست کنند. از دحام پناهنده‌ها و امیانا چند تا توریست فکسنی وصف قابلمه‌ها و ماهی‌تابه‌ها انتظار می‌کشند. از توصیف در و دیوار کبره‌بسته و کشیف و بهم ریخته تا میز آشپزی و کنده گوشت خردکنی و دیگر وسایل همد هتیک باید چشم پوشید.

در گوشه آشپزخانه سطل آشغالی به چشم می‌خورد که از زور کثافت در حال انفجار است. باقیمانده زباله‌ها همراه انواع بوهای مشمئزکننده روی سطح سیاه آب شناورند. باید پاچه‌های شلوار را بالا زد و چکمه‌های لاستیکی پوشید تا بتوان ساهتی را با تحمل شکنجه و آزار جسمی و روحی به پخت و پز - از سر ناچاری - پرداخت. درواقع آشپزخانه لانه امن و راحتی برای انواع میکروب‌ها و کربه‌هاست.

کایروستی آسانسور هم دارد! سالن انتظار هم دارد! اما سالن انتظار تاریک و نمناک است با مقداری صدای شکسته‌بسته که



صد سال همبستگی

صد سال رزم همبسته

بقیه از صفحه ۱

نیامده و بدون درد حفظ نشده اند؛ فارغ از تغییر، چه در شکل و چه در مضمون، نبوده اند و امروز هم فارغ از مشکل نیستند، اما فاقد درسهای بزرگ نیز نبوده اند. امروزه از سویی، طبقه کارگر شاهد دگرگونیهای همیق در ساختار و ترکیب خویش است؛ انقلاب هلی و فنی، خاصه در کشورهای پیشرفته سرمایه داری، دسترسی به طراز نوینی از نیروهای مولده را میسر ساخته است؛ نیروهایی که می توانند ابزار برای حل حیاتی ترین مسائل انسان معاصر باشند و هم وسیله ای برای نابودی وی بدست خویش. نیروهایی که می توانند هم به آبادانی و هم به ویرانی تمدن مدد رسانند. این نیروهای مولده طراز نوین به شکل گیری اقشار جدیدی در درون طبقه کارگر نیز انجامیده اند و گاه صف بندیهای دردناکی را در آن باعث شده اند. استثمار کار فکری و کار با کیفیت هالی تخصصی در کشورهای پیشرفته سرمایه داری شدت یافته است. از سویی دیگر، سوسیالیسم این ساخته اساسی طبقه کارگر - به ارزیابی مجدد خویش نشسته است. ارزیابی مجدد ضعفها، کمروییها و شکستها، ارزیابی مجدد دستاوردها و پیروزیها، نوسازی سوسیالیسم با هدف هر چه بیشتر بهره مند کردن انسان و برآوردن نیازهای وی، روند مسلط امروزین در کشورهای سوسیالیستی است. علاوه روند نزدیکی بیشتر و وحدت در میان گردانهای طبقه کارگر، در کشورهای مختلف جهان، جریان دارد و روبه گسترش است.

این تغییرات الزامات نوینی را پیش روی طبقه کارگر نهاده است و مضامین و اشکال نوین همبستگی آن را طلب می کند. آری، امروز طبقه کارگر در کار ایجاد همبستگی نوینی بر پایه ای وسیعتر، و در جستجوی اشکال و مضامین درخور آن است.

بازیابی یکصدساله که از اقدام انترناسیونال دوم می گذرد حاکی از آن است که طبقه کارگر به مثابه طبقه پیشرو و تابه آخر انقلابی همواره باید به استقبال آنچه نو است بشتابد و آنرا در حرکت و مبارزه خود متجلی کند. این بار نیز میکوشد بفراخور زمان و الزامات آن همبستگی خود را در طرازی هالیتر سازمان دهد.

در روزهای اول ماه مه در میهن قهارمان چه گذشته است و چه میگذرد؟ طبقه کارگر ایران نیز در زیر حاکمیت ضد کارگری ترین رژیمها این سنت انقلابی و انترناسیونالیستی را با سر بلندی پاس داشته است به یاد می آوریم روز اول ماه مه سال

۱۳۰۱ را، روزی که طبقه کارگر ایران برای نخستین بار اول ماه مه را تحت شرایط اختناق رضاخانی با برگزاری تظاهرات خیابانی جشن گرفت؛ بیاد می آوریم روز اول ماه مه سال ۱۳۲۳ را، روزی که "شورای متحده مرکزی اتحادیه های کارگران و زحمتکشان ایران" زیر تهدید فاشیسم و رژیم ستمشاهی محمدرضا شاه، تشکیل گردید؛ بیاد می آوریم روز اول ماه مه سال ۱۳۶۰ را، روزی که میتینگ سازمان ما، بزرگترین میتینگ در تاریخ آن، با یورش هوامل رژیم جمهوری اسلامی به خون کشیده شد، و بیاد می آوریم دهها میتینگ و تظاهرات خیابانی و صدها جشن و حتی قرای کوچک پنهانی را که کارگران ایران برپا کرده اند و امروزه نیز برپا می کنند تا روز همبستگی بین المللی شان را گرامی داشته و آنرا به روز همبستگی رزمندگان علیه استبداد، ستم و سرمایه بدل کنند. کارگران ایران، در شرایطی اول ماه مه را جشن می گیرند که روزی نیست کم، در اثر سیاست های جمهوری اسلامی در دفاع از منافع فارتگران، باز خرید و اخراج، هدهای دیگر از کارگران را به ارتش بیگاران نیافزاید، روزی نیست که بیگاری میلیونی تهدیدی متوجه هر کارگر نباشد، فقر و مسکنت کارگران و دیگر زحمتکشان فزونی نگیرد، محدودیت ها و تضییقات برای ایجاد تشکلهای صنفی کارگران و سازمانهای سیاسی آنان تشدید نشود، فعالین جنبش کارگری دستگیر و شکنجه و حبس نشوند، و بر کارنامه سیاه و خونبار رژیم خمینی ننگ اعدام کسان دیگری از صفوف کمونیستها - این رهروان استوار راه طبقه کارگر و زحمتکشان کشورمان - افزون نگردد. طومار خیانت و جنایت جمهوری اسلامی در حق طبقه کارگر و مردم ایران بمراتب فراتر از اینها می رود و با سیاست فوق العاده ارتجاعی آن که بصورت دورنگداشتن و به عقب راندن اقتصاد، تولید و طبقه کارگر از گردونه پیشرفت و تعالی و نیز پراکندن کارگران متجلی میشود دامنه گسترده ای می یابد. با این رژیم خونریز و ضد مردمی باید مبارزه کرد. برای کسب آزادیهای دموکراتیک، بهبود شرایط زیست کارگران و زحمتکشان، قانون کاری که مدافع کار باشد و نه سرمایه، باید مبارزه کرد و برای پیشبرد موثر این مبارزه تجربه جنبش کارگری، چه در جهان و چه در ایران، راهی جز تشکیل یابی طبقه کارگر، فلبه برپراکندگی صفوف آن و فلبه برپراکندگی صفوف پیشروان و مدافعان آن، هر ضه نگرده است.

از ترانه های
کارگران بومی مهدن تی تی کاکا جولیوی

پرچم خونرنگ

از شهرهای ممنوعه آمریکای لاتین
ترجمه رفیق شهید، حسین اقدامی

- پسر م!

میچ میدانی
که میان هر قهاری تن ما
و آب دریاها

چه شباهتی است؟

- نه پدر

فقط میدانم
که آب دریاها سرد است
و هر قی تن همان داغ

- و؟

- می دانم که آب دریاها
رنگ آسمان دارد
و هر قی تن ها
رنگ خاکه سرب

و.....

- تو تفاوت هارامی گویی کو چولو!
من شباهت هاراپر سیدم

- اما این قصه را پدر
هنوز برایم نگفته یی

- می گویم

اما این قصه نیست، یادت باشد!
این سر گذشت رنج است
این رنجامه کار است
می دانی؟
آب دریاها

در حرارت خورشید
تبخیر میشود
زان پس

ابری در آسمان

و بارشی بر زمین

تا طبیعت بشکوفد همچون گل سرخی در کوهستان.

و هر قی تن هانیز

در کوره رنج، دود می شود

و زان پس

رهی در تاریخ

و توفانی در زمان

تا جامعه بشکوفد همچون پرچم خونرنگی، در میدان.

هم از اینجاست

که دریاها و تن ها

هر دو جزو مددارند

گاه، آرام و گاه، خشماگین.

- من گلهای سرخ را، پدر،

بسیار دوست دارم.

- آفرین پسر م!

وقتی دریایی

که در کجای زمان ایستاده یی

آنگاه

با تمام وسعت قلبت

پرچم خونرنگ را نیز

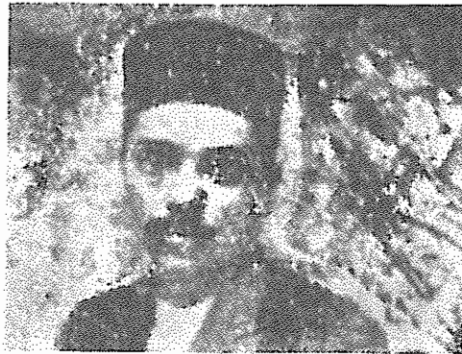
دوست خواهی داشت.

پیشگامان جنبش سندیکایی ایران



محمد پروانه

منشی اتحادیه کارگران چاپ و نماینده اتحادیه مرکزی کارگران ایران



امامعلی بهرامی

منشی اتحادیه کارگران کفای و نماینده اتحادیه مرکزی کارگران ایران نمونه بارز فداکاری صراحت گفتار و صداقت انقلابی



مهدی کیمرام

نماینده و مدیر اتحادیه کارگران کفای و نماینده اتحادیه مرکزی کارگران ایران از بنیانگذاران "شورای متحده مرکزی"



محمدتقی ناصحی

نماینده اتحادیه مرکزی و مدیر مجله "جرقه" مبلغ متعهد و پر شور جنبش سندیکایی

"اتحادیه مرکزی کارگران" (تاسیس ۱۲۹۹) بود، در جوانی زیر فشار مشکلات اقتصادی و مالی دستگاه پارتی بانی خود را از دست میدهد و به صف کارگران پارتی بانی می پیوندد. مانی به دنبال آشنایی با مبارزات متشکل کارگری، دوشادوش نخستین پیشروان جنبش سندیکایی فعالیت خود را در این زمینه آغاز می کند. او کتاب "تاریخچه نهضت..." را که شرح خاطرات وی از جنبش کارگری ایران در سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۸ است، در سال ۱۳۲۵ تألیف کرد. بخش اعظم کتاب، که در همان سال به مناسبت روز اول ماه مه چاپ و پخش شد، بیانگر فعالیت و شخصیت رهبران مبارز و فداکار جنبش سندیکایی ایران است. اثری است

جنبش سندیکایی در ایران از بیش از هشتاد سال تاریخ برخوردار است. پیشگامان ما در این جنبش نیز در شرایط بسیار دشواری زیستند، مبارزه کردند، استقامت نشان دادند، به زندانهای رضاخانی افتادند و کشته شدند. به مناسبت اول ماه مه تنی چند از این پیشگامان فداکار را که بذر تشکّل و اندیشه طبقاتی را در میان کارگران میهنمان پاشیدند معرفی می کنیم و یادشان را گرامی میداریم.

شکرالله مانی نویسنده کتاب "تاریخچه نهضت کارگری در ایران" - که مادر این نوشته از همین کتاب وی سود جستیم - خود یکی از پیشروان و فعالان جنبش سندیکایی بود. او که مدیر اتحادیه پارتی بانی و منشی

"باید در زمان معینی گردهمایی بین المللی بزرگی سازمان داد و آن هم به شکلی کارگران هم زمان در تمام کشورها و در تمام شهرها در یک روز همین از قدرت های حاکم (ارگان های دولتی) خواستار محدودیت کار به ۸ ساعت در روز شدند و سایر مصوبات کنگره بین المللی پاریس را طرح سازند."

این متن پایه گذار روز اول ماه مه به عنوان روز جهانی کارگران است. تصمیم بالا بخشی از مصوبات موسس انترناسیونال دوم است که روز ۱۴ ژوئیه ۱۸۸۹، (صد سال پس از هجوم به زندان باستیل و انقلاب فرانسه) در پاریس افتتاح شد.

روز اول ماه مه به یادبود رزم تهرمانانه ۳۵ هزار کارگر آمریکایی برای کسب ۸ ساعت کار در روز است. کارگران در این روز دست به اعتصاب بزرگی زدند. روز سوم ماه مه در شیکاگو زد و خورد خونینی میان اعتصاب کنندگان و پلیس صورت گرفت. روز چهارم ماه مه در گردهمایی اعتراضی بزرگی علیه پلیس یک حامل پلیس از میان جمعیت بمبی به سوی پلیس پرتاب کرد. با انفجار آن و حمله پلیس ۱۱ نفر کشته شدند. ۸ کارگر به جرم "قتل" دستگیر و روز ۱۱ نوامبر ۱۸۸۷ اعدام شدند. در اجلاس اختتامی انترناسیونال دوم به پیشنهاد فریدریش انگلس، روز آغاز اعتصاب، اول ماه مه، به عنوان روز همبستگی جهانی کارگران تعیین شد.

تنها پس از دو سال جنبش اول ماه مه گسترش جهانی یافت و در ۴ ماه مه ۱۸۹۰ سیصد هزار نفر در لندن، ۱۵۰ هزار نفر در بارسلون گرد آمدند. در آلمان ۲۵۰ هزار نفر کار را تعطیل کردند. انگلس در این دستاورد جنبش کارگری بین المللی اهمیتی دوران ساز دید: "از همین امروز که من این سطور را می نویسم، پروتاریای اروپا و آمریکا برای اولین بار قدرت عظیم یکپارچگی خود را در می یابد، بسیج یافته چون یک ارتش، زیر یک پرچم و بایک هدف: پیشبرد خواست روز کار ۸ ساعته که در کنگره ژنو انترناسیونال در سال ۱۸۸۶ و سپس در کنگره کارگری پاریس در ۱۸۸۹ به تصویب رسیده است. صحنه امروزی چشم های سرمایه داران و زمینداران را بر روی این واقعیت باز خواهد کرد که پروتاریای تمام کشورها در حال متحد شده اند." (مجموعه آثار مارکس و انگلس، جلد ۲۲، صفحه ۵۸)

کمک دولت موفق به توقیف روزنامه حقیقت شدند و فعالیت "اتحادیه..." نیز توسط رضاشاه ممنوع اعلام گردید. دهگان که تجربیاتی در زمینه کشاورزی داشت در مازندران به کشاورزی مشغول شد و مدتی نیز در اداره پنبه همدان و خرم آباد کار کرد. ولی پس از چندی بخاطر دسته‌بندی‌های اداری دست از کار کشید و مدتی بعد به هلت ابتلا به بیماری سل درگذشت.

در کنار دهگان، فعالین دیگری نیز به مبارزه سندیکایی مشغول بودند. آنها در راس اتحادیه‌های اصناف خویش قرار داشتند و هر یک به انحاء مختلف تحت تعقیب و آزار و شکنجه قرار می‌گرفتند. از جمله آنان:

- باقرنوبی، محمد پروانه و عبدالحسین سادات گوشه‌ای نمایندگان اتحادیه کارگران چاپخانه‌های تهران.
این اتحادیه در راس اتحادیه‌های دیگر و در مقام رهبری آنها قرار داشت.
- مهدی حقیقت، حسین مسگرزاده، علی اکبر اسکانی نمایندگان اتحادیه کارگران کفاش تهران

- محمد تقی ناصحی نماینده کارگران دواساز. وی مجله "جرقه" را به سبک نوینی منتشر کرده که خیلی زود توقیف شد.
- حسین امید، ابوالقاسم رجایی و ابوالفضل لسانی نمایندگان اتحادیه معلمین. لسانی پس از توقیف "حقیقت" روزنامه "اقتصاد ایران" را منتشر کرد که مورد استقبال مردم قرار گرفت و خیلی زود توقیف شد.

- استاد میرزا علی طرفدار و استاد محمد بنا نمایندگان اتحادیه کارگران بنای تهران. میرزا علی طرفدار به خاطر فعالیت انقلابی مدتی زندانی بود و شکنجه‌های بسیار دید و هاقبت نیز جان خود را در این راه نداد.

میرزا محمد آخوندزاده نماینده اتحادیه باربران بندر انزلی. وی نماینده‌ای فعال و شجاع بود که اغلب در زندان‌ها گرفتار پنجه مأمورین رضاشاهی بود.

...
اینان از آغازگران و پیشگامان جنبش سندیکایی در ایران بودند. تجارب مبارزاتی آنها، نحوه فعالیت‌شان و پیگیری آنان در پیشبرد اهداف والای طبقه کارگر سرمشق کارگران مبارز و فعالین جنبش کارگری ماست. یادشان گرامی باد!

مسئولانه و سرشار از هشق و وفاداری نسبت به کارگران و زحمتکشان.

نخستین سندیکاها و اتحادیه‌ها را کارگران چاپخانه‌های تهران ایجاد کردند و ابتکار سازماندهی "اتحادیه مرکزی کارگران" نیز با رهبران اتحادیه‌های چاپ و در راس آنها سید محمد دهگان بود. نخستین رهبران و پیشگامان جنبش سندیکایی طی سالهای ۱۳۹۶ تا ۱۳۵۴ سر بر آوردند.

دهگان اولین نماینده و مدیر اتحادیه کارگران چاپخانه‌های تهران، مدیر اتحادیه مرکزی کارگران ایران، اولین نماینده کارگران ایران در بین الملل سندیکاهای سرخ (انترناسیونال سوم) و مدیر روزنامه حقیقت بود. او تحصیلات خود را در قفقاز تحت سرپرستی عبدالرحیم طالبوف (نویسنده انقلابی و دمکرات صدر مشروطه) به پایان رساند. دهگان هنگامیکه به عنوان نماینده "اتحادیه مرکزی کارگران ایران" در بین الملل سوم شرکت کرد توانست گزارش واقع بینانه‌ای از وضعیت اسفبار کارگران ایران ارائه دهد.

او اولین نماینده کارگران ایران بود که در کنفرانس بین الملل سندیکاها شرکت کرد و خواست کارگران و وضعیت اتحادیه‌ها را در آن جا مطرح کرد. در بازگشت به ایران اعلام کرد: "اتحادیه... در کنفرانس چهارم بین الملل سوم به رسمیت شناخته شد."

محمد دهگان اولین کسی بود که "مانیفست حزب کمونیست" را به فارسی ترجمه کرد. او مدیر روزنامه حقیقت نیز بود. مانی می‌نویسد: "مقالات این روزنامه مانند تیری به پهلو مرتجعین می‌نشست... بالاخره مرحوم مدرس و همراهانش با کمک دولت در "پنج محل" تهران عده‌ای از اوباش و مردمان بیسواد و بارفروش‌های میدان و جمعی از کسبه مرتجع بازار را جمع کردند و "اتحادیه پنج محل تهران" را علیه روزنامه حقیقت تشکیل دادند. مدتی جمعیت را برای سوزاندن روزنامه حقیقت تحریک و تشویع می‌نمودند. تمیه حمله به "اتحادیه مرکزی..." را می‌دیدند و...

آنها از هیچ کوششی برای از هم پاشیدن اتحادیه‌های کارگری و تعطیل روزنامه "حقیقت" و دستگیری رهبران جنبش کارگری کوتاهی نمی‌کردند و سرانجام به



محمد دهگان

بنیانگذار اتحادیه مرکزی کارگران ایران و نماینده کارگران ایران در بین الملل سندیکاهای سرخ (انترناسیونال)



مرتضی حجازی

نماینده اتحادیه کارگران چاپخانه‌های تهران که در سیامچالهای رژیم رضاخان به شهادت رسید



استاد میرزا علی طرفدار

نماینده اتحادیه مرکزی و مدیر اتحادیه کارگران بنا. مبارز ثابت قدم و فداکار جنبش سندیکای ایران



باقرنوبی

نماینده و مدیر اتحادیه کارگران چاپ نمونه قاطعیت و فداکاری انقلابی طبقه کارگر

حفظ محیط زیست! فاجعه پشت در است

اخبار فراوان است. شواهد از برخورد خشن انسان با طبیعت اطرافش، تخریب و آلودن آن سخن می‌گویند، طبیعتی که هستی انسان وابسته به آن است. و اینک انسان خود را در آستانه فاجعه قرار داده است. فاجعه اکولوژیک به سطحی معادل فاجعه انفجار هسته‌ای شاید خطرناک‌تر از آن - فراوان‌تر است.

هزاران ماهی در رودخانه‌های شمال کشورمان تبدیل ریختن فاضلاب کارخانجات به درون آنها از بین رفتند. هزاران ماهی و پرند در مرداب‌های زیان در خطر نابودی قرار گرفتند. مسئولان محیط زیست در شهر تهران هشدار می‌دهند که مقدار مونواکسید کربن و هیدروکربورهای نسوخته و دیگر گازهای سمی که اتومبیل‌ها تولید می‌کنند هر ساله بالای می‌رود و اگر هر چه زودتر تدابیری اساسی اندیشیده نشود، دیری نخواهد پایید که تهرانی‌ها با فاجعه روبرو خواهند شد. البته با افزودن دود کارخانجات و آلودگی‌های ناشی از انباشت زباله در سطح شهر و دود حاصل از بخاری‌ها و آبگرم‌کن‌ها و شیره ابعاد فاجعه وحشتناک‌تر می‌شود، باران سیاه بر تهران فرو می‌بارد.

کشتی نفتکش فول پیکر امریکایی در سواحل آلاسکا به گل نشست و به هلت شکافتن بدنه آن هزاران تن نفت خام به دریای خلیج و منطقه‌ای عظیمی از سطح آب را نفت پوشاند. میلیون‌ها موجود دریایی نابود شدند. بدلیل آلودگی شدید، استفاده از آب رودخانه می‌سی‌سی‌پی در ایالات متحده امریکا برای امور زراعی و آشامیدن خطرناک اعلام شد. انفجار یکی از راکتورهای نیروگاه هسته‌ای چرنوبیل در اتحاد شوروی زمین‌های اطراف را تا شعاع وسیعی برای ده‌ها سال غیرقابل استفاده کرد. بی‌مسئولیتی رهبران منطقه، آمودریا را به خندق فاضلاب تبدیل کرده است. یکی از اهالی محل می‌نویسد: "هرگز فکر نمی‌کردم که زادگاه من به لحاظ اکولوژیک منطقه مصیبت‌زده اعلام شود. خشک شدن دریاچه اورال بر آب و هوای منطقه تاثیر نامطلوب گذارده و در آینده نزدیک آثار آن

شدیدتر ظاهر خواهد شد. زیان‌آورتر از آن آلودگی شدید آب رودخانه آمودریاست که اهالی نه تنها از آن برای آبیاری، بلکه برای آشامیدن نیز استفاده می‌کنند... رودخانه تبدیل به خندق کثیف فاضلاب شده است." نشت تشعشعات رادیواکتیو از راکتور اتمی یکی از نیروگاه‌های برق اتمی آلمان غربی که تنها یک سال و نیم پس از وقوع حادثه اعلام بیرونی شد، منطقه وسیعی را آلوده ساخت. به دلیل کمبود ابیمنی کافی در دیگر نیروگاه‌های اتمی این کشور و دیگر کشورهای غربی، احتمال تکرار حادثه منتفی نیست.

در چین نسبت به آلودگی آب‌های جاری این کشور هشدار داده شد، زیرا هجده ساله ۲۴/۲ میلیارد تن زباله وارد این آب‌ها می‌شود. نابودی جنگل‌ها در این کشور به عنوان یکی از منابع اصلی فقر محیط‌زیست ذکر شده است. هلیروم انتقال کارخانجات کثیف یعنی آلوده‌کننده محیط‌زیست به کشورهای در حال رشد، فضای سبز و آب‌های کشورهای رشد یافته سرمایه‌داری قادر به جبران اکسیژن از بین رفته در هوای این کشورها نیست. این هوای آلوده پس از جابه‌جایی به کشورهای در حال رشد، اکسیژن خود را بازمی‌یابد. اینهم از گونه‌های استعمار اکولوژیک. باز هم می‌توان نقل اینگونه اخبار را ادامه داد و از گرم‌تر شدن هوای کره زمین و آثار سوء ناشی از آن، آسیب به لایه اوزون اتمسفر و غیره سخن گفت، اما امروز بحث بر سر وجود یا عدم وجود بحران اکولوژیک و یا ابعاد آن نیست. که دیگر نیازی به بحث باشد، مساله اینک تشخیص هلت و راه رفع آن می‌باشد.

دلایل زیادی مثل سهل‌انگاری‌ها، اشتباه محاسبات و برنامه‌ریزی‌های نادرست و غیره در رابطه با توضیح آلودگی محیط زیست مطرح می‌شود. اما آنها نمی‌توانند توضیح‌گر و عامل اصلی بحران اکولوژیک باشند، بلکه تنها نقش تشدیدکننده خواهند داشت. جهت راه‌یابی به حل مساله بایستی آن هلت اصلی و حلقه اصلی را یافت

که مجموعه عوامل فوق بر بستر آن هم کرده و انسان امروزی را در آستانه یک خطر جدی قرار داده است.

تنظیم رابطه انسان با طبیعت یا به عبارتی مساله محیط زیست بطور ارگانیک با مسایل اقتصادی درهم می‌آمیزد و حلقه اصلی و راه حل مساله نیز در همین جاست. مرحله پیشین رشد و تکامل اقتصادی بدنبال انقلاب صنعتی که صدها سال طول کشید، دستاوردهای حیرت‌انگیزی برای بشریت به ارمغان آورد. با تکیه بر تکنولوژی که امروزه ابتدایی نامیده می‌شود، بازار از کالاها انباشته شد. موسسات عظیم استخراجی، فلزگدازی، شیمیایی و غیره ایجاد گردید. آنچه مطرح بود "تولید بیشتر" و بالابردن "کمیت" بود. همه چیز بی هیچ حساب و کتابی به هر صدها تولید گشاند. جنگل‌ها نابود شدند، رودخانه‌ها آلوده گردیدند و پدیده‌های بحرانی نمی‌توانست شکل بگیرد. حاصل آنکه، اینک خطر سانه عظیم صنعتی کمتر از خطر جنگ گرما-هسته‌ای نیست. ۱۰ میلیارد تن سوخت قابل اشتعال و انفجار استخراج، حمل و نقل، نگهداری و مصرف می‌شود. انفجار آن معادل انفجار زرادخانه‌های هسته‌ای است. عناصر شیمیایی مثل آرسنیک، باریوم، آمونیاک و غیره در چنان حجمی انباشته شده که خطر مرکب آن دوبار بیشتر از مواد رادیواکتیو انباشته شده است. باید توجه داشت که اینها شامل سلاح‌های شیمیایی و مصارف نظامی نیست و تنها مصارف صنعتی را شامل می‌شود.

طبیعی است که نمی‌توان هواقب بحرانی این مکانیسم تولید را تنها در بحران اکولوژیک خلاصه کرد. بحران انرژی، بحران خواروبار و مساله نیروی کار و ده‌ها مساله اجتماعی و غیره مجموعه هوارضی است که تحت تاثیر چنان شکلی از رشد و تکامل اقتصادی بوجود آمدند که می‌بایستی مجموعه‌ها ریشه‌یابی و چاره‌جویی شوند. بحران اکولوژیک به همراه دیگر موارد بحرانی پیش از همه مربوط به برخورد سنتی به

تولید می‌شود. پاسخگویی به این مسایل ضرورت برخوردی اساسی به امر تولید را ایجاب می‌کند. می‌بایست شیوه‌های سنتی تولید دگرگون شود. این بار نه مساله "کمیت" و "چندی"، که "چگونگی" و "چونی" آن مطرح می‌گردد. انقلاب علمی-فنی و به عبارتی انقلاب تکنولوژیک امکان این تحول را بوجود آورد. بر این اساس اینک کمیت تولید نیست که شاخص رشدیافتگی و پیشرفت بودن است، بلکه کیفیت و هواقب اجتماعی و مادی آن مورد توجه قرار می‌گیرد.

استفاده از شیوه‌های جدید تولید تنها تعداد معدودی از کشورهای جهان را شامل می‌شود. گسترش دستاوردهای علمی و فنی کشورهای پیشرفته صنعتی به کشورهای در حال رشد که اساسا در شرایط کاملاً متفاوتی قرار دارند، در جهت حل مجموعه مسایل مطرح شده و از جمله بحران اکولوژیک امری ناگزیر است. در این راستا اولین گام تحقق نظم نوین اقتصادی در دستور قرار می‌گیرد. بدون ایجاد مناسبات اقتصادی عادلانه و نوین میان همه کشورهای جهان تلاش برای حل بحران اکولوژیک و دیگر اشکال بحران، آدهایی بیش نخواهد بود. جنبش‌های اکولوژیک یا جنبش‌های دفاع از محیط‌زیست به بخش تفکیک‌ناپذیر شمای سیاسی جهان تبدیل شده‌اند. این تلاش و مبارزه خلق‌ها است برای دفاع از فردای خود و بازسازی مناسبات هماهنگ میان انسان و طبیعت. این جنبش‌ها بطور خودبخودی بوجود آمده و به احزاب و سازمان‌های سیاسی توده‌ای تبدیل می‌شوند. مبارزه برای حفظ محیط‌زیست با مبارزه علیه جنگ و برای صلح و برای تحقق نظم نوین اقتصادی پیوند می‌یابد و همه نیروهای دمکراتیک و مترقی جهان را در جنبشی عظیم گرد می‌آورد. در هر جایی و هر شرایطی در دفاع از آرمان‌های عموم بشری باید به این جنبش عظیم پیوست. جنبش کمونیستی جهانی نیز می‌رود که سهم شایسته خود را در این مبارزه برعهده گیرد.

نگاهی به رویدادها در جمهوری خلق چین

"امروز باید پرداخت، فردا گرانتر خواهد بود!"

بقیه از صفحه ۱۶

شخصیت‌های رهبری حزب و دولت را مورد اهانت و تهاجم قرار دهند."

ارگان حزب کمونیست چین در ادامه می‌نویسد: "این توطئه‌ای از پیش طراحی شده است. تلاش برای ایجاد ناآرامی است و محتوای آن زیر سؤال بردن رهبری حزب کمونیست چین و نظام سوسیالیستی در اساس است. سخن بر سر درگیری سیاسی همه‌جانبه‌ای است که تمامی حزب و مردم تمام ملیت‌های ساکن چین در مقابل آن قرار دارند. اگر در برابر چنین ناآرامی‌هایی بی‌عمل مانده، دست روی دست گذاریم، آنگاه امکان ایجاد مخاطره جدی در حفظ نظم و گسترش هرج و مرج بوجود می‌آید. باین امر رفرم‌های موردنظر و امید همه مردم، از جمله جوانان و دانشجویان، هم‌چون حباب صابون خواهد ترکید."

"رن‌مین ریپابلیک" در خاتمه خواستار برخورد قاطع با کسانی می‌شود که به "پخش شایعه‌ها و تحریف‌ها می‌پردازند" و می‌نویسد: "گردهمایی‌ها و راه‌پیمایی‌های غیرقانونی باید ممنوع شوند، ارتباط‌های مخفی میان واحدهای تولیدی، روستاها و دانشگاه‌ها باید قطع شوند. با آنهایی که خشونت به کار می‌برند، فشارت وارد می‌سازند و قمارت می‌کنند، باید قاطعانه با تمام امکانات حقوقی مقابله شود."

در همین حال در روزهای اخیر اعلام شد که دولت چین برای مذاکره با دانشجویان آماده است. دانشجویان در پاسخ خواستار مذاکره دولت نه تنها با سازمان‌های رسمی دانشجویی، بلکه هم‌چنین با کمیته‌های بوجود آمده در روزهای اخیر شده‌اند.

برای درک پیچیدگی شرایط در چین باید به برخی روندها در گذشته بازگشت. چین جزو اولین کشورهای سوسیالیستی بود که پدیده‌ای به نام رفرم در نظام سوسیالیستی را (بدون توجه به درستی یا نادرستی روش‌های پیش‌گرفته شده) مورد توجه قرار داد. حزب کمونیست چین تحت عنوان "رد راه اتحاد شوروی" برای ساختمان سوسیالیسم این یا آن روش را برای ساختمان



دانشجویان در حال نصب یک روزنامه دیواری

سوسیالیسم "تحت شرایط چین" در پیش گرفته است. گرایش به رفرم پس از دوران کیش شخصیت مائوتسه‌تونگ و شرایط وحشتناک "انقلاب فرهنگی" (که به قیمت جان میلیون‌ها انسان تمام شد) تبارز یافت. اکنون با رویدادهای هفته‌های اخیر به نظر می‌رسد، رهبری چین جایگاه پیشین خود در زمینه درک ضرورت انجام اصلاحات را از دست داده است. نگاهی همیق‌تر به خواست‌های دانشجویان و محتوای سیاست‌های حزب کمونیست و دولت چین گویای این مدهاست.

از همین زاویه نمی‌توان با این ارزیابی "رن‌مین ریپابلیک"، ارگان حزب کمونیست چین مبنی بر وجود "توطئه‌ای از پیش طراحی شده" و "تلاش برای زیر سؤال بردن نقش رهبری حزب و نظام سوسیالیستی" موافق بود. از یکسو محتوای خواست‌های دانشجویان (که براساس گزارش‌های مختلف حمایت مردم را نیز جلب

کرده‌اند) و از سوی دیگر گسترده‌ی راه‌پیمایی‌ها بازتاب دهنده منافع "مشتی عناصر مخرب" نیستند. طبیعی است جهان سرمایه‌داری، سازمان‌های جاسوسی و خرابکار قرب تمام امکانات خود را برای ایجاد آشوب و سازمان دهی عناصر ضد سوسیالیست به کار می‌گیرند. رویدادهای جمهوری شوروی گرجستان، جمهوری فدراتیو کوزوودر یوگسلاوی گواه این امر هستند، اما خواسته‌ها و نیازهای واقعی مردم در اعتراضات انجام یافته را نمی‌توان با ارائه چنین ارزیابی‌هایی نادیده گرفت.

پس از "انقلاب فرهنگی" حزب کمونیست چین هدف نوسازی در چهار هرصه کشاورزی، صنعت، علم و ارتش را اعلام کرد. محتوای سیاست‌های به کار گرفته شده در این چهار هرصه را گسترش اقتصاد غیرمتمرکز و خصوصی و رشد گرایش سودخواهی تشکیل می‌دادند. پیشبرد نامتوازن و

یک‌جانبه این روش‌ها در اقتصاد سوسیالیستی در کشور با حد هتبه‌ماندگی چین و دارای توده‌های عظیم دهقانی، دارای هواقبی منفی نیز بود. در همین رابطه دولت برای قلبه بر بحران اقتصادی سیاست صرفه‌جویی را در پیش گرفت. "رن‌مین ریپابلیک" ارگان حزب در تبلیغ این سیاست نوشت: "امروز باید پرداخت، فردا گرانتر خواهد بود."

رهبری چین اندیشه نوسازی در چهار هرصه نام برده را اعلام کرد و در راه اجرای آن اقدام نمود. اما یک هرصه اساسی نادیده گرفته شد: گسترش دموکراسی در جامعه و شرکت وسیع و واقعی مردم در تعیین سرنوشت خویش! پیشبرد نوسازی بدون گسترش دموکراسی در هرصه‌های اجتماعی و سیاسی پدیده‌ای متضاد است. این تضاد در چین وجود داشت و ژرفش یافت. امکان واقعی برای شرکت وسیع مردم در تعیین سیاست و هدایت کشور فراهم نشد.

هویائوبانگ در دوران رهبری خود بر حزب کمونیست برای قلبه بر این تضاد گفته بود: "بالاخره زمان آن رسیده است که حزب به این درک دست یابد که گارد قدیمی دیگر نباید همه چیز را تعیین کند." "گارد قدیمی" از زبان لی‌پنگ، رئیس‌جمهور کشور، به شیوه کلاسیک مائوتیستی پاسخ داده بود: "اولین امواج مرکز از امواج بعدی عقب نخواهند ماند." هویائوبانگ در سال ۱۹۸۷ از مقام خود برکنار شد.

به نظر می‌رسد بخشی از رهبری حزب و دولت از گسترش دموکراسی در کشور در هراس است. به‌ویژه وقتی در نظر گیریم زمانی که در مورد انتخابات اخیر نمایندگان مردم در اتحاد شوروی در چین سخن گفته شد، مطبوعات و وسایل ارتباط جمعی چین حتی یک کلمه پیرامون این امر ننوشتند که ۲۵ درصد از کاندیدهای حزب کمونیست اتحاد شوروی و از جمله برخی از شخصیت‌های پرسابقه و برجسته حزبی، انتخاب نشدند.

شاید بتوان جمله ارگان حزب، "رن‌مین ریپابلیک" را خطاب به حزب و دولت، در هرصه گسترش دموکراسی در جامعه تکرار کرد که: "امروز باید پرداخت، فردا گرانتر خواهد بود!"

مصاحبه با فیلیپ هرز وگ - عضو هیئت سیاسی حزب کمونیست فرانسه

“اروپا را به گونه ای دیگر بنا کنیم!”

مثل کبک سر خود را در برافروخته کنیم، باید همت وجودی آن را درک کرده و برای تغییر آن دست به کار شویم. اگر نیروهای سرمایه دار خود را به این صورت سازماندهی می کنند مطمئناً این کار را برای اعمال تسلط قدرت های بزرگ، برای استثمار زحمتکشان و سودهای بالاتر انجام می دهند، اما در همین حال این کار بیانگر پاسخ خاص آنان به ضرورت های همکاری بین المللی در شرایط انقلاب اطلاعاتی و انفورماتیک است. بنابراین باید به این ضرورت ها پاسخ گفت، پاسخی در تقابل با سیاست سرمایه، پاسخی که ما را در پیشاپیش خواست های مردم قرار می دهد. در غیر این صورت مردم بدرستی تصور خواهند کرد که ما این ضرورت ها را درک نمی کنیم. بنابراین بحث های کلی در مورد تعاون فایده ای دربر نخواهد داشت. باید این موضوع را به مسائلی مشخص در جنبش و اذهان مردم تبدیل کرد. ما در کنگره ۲۶ حزب کمونیست فرانسه تصمیمات مهمی اتخاذ کردیم: از یک طرف، تلاش در جهت برقراری امنیت و تعاون در سراسر اروپا، از آقیانوس اطلس گرفته تا کوه های اورال، از طرف دیگر مقابله با برنامه های سرمایه دارانه جامعه مشترک اروپا و تغییر آن در زمینه های مختلف (نظام پولی، سیاست کشاورزی مشترک و غیره). من فکر می کنم می توان به وضوح گفت که ما یک اکثریت برای مشخص برای اروپای غربی ارائه می کنیم، بدون آنکه خود را در چارچوب نهادهای موجود محصور سازیم. در همین حال ما برای حل مسائل در سطح کل اروپا دست به ابتکار عمل می زنیم. این تلاش ها (در سطح اروپای غربی و اروپا) مکمل یکدیگرند. ما خواهان گسترش روند کنفرانس هلسنکی هستیم. در اروپای غربی مسائلی هست که می تواند و باید با همکاری اتحاد شوروی حل شود. اما مسائل دیگری نیز هست که اساساً بدون همکاری با اتحاد شوروی حل می شود و تأخیر بر دار نیست. مسائلی از قبیل بورس بازی،

خطر جنگ اقتصادی، تزلزل موقعیت و طرد کارگران و غیره. اما به همان میزان که باید با این سازماندهی سرمایه دارانه مقابله کرد، به همان میزان نیز اصل گردش خردمندانه اطلاعات و منابع در سطح بین المللی برای پاسخ گفتن به نیاز خلق ها اصلی اساسی است که ما از آن دفاع می کنیم. این امر مستلزم شکل جدیدی از تسلط خودی در هر صده ملی و مستلزم قدرت کارگران در کاربست معیارهای نوین مدیریت در امور بین المللی است، بطور اخص، تحقیق علمی مستلزم گسترش اطلاعات در هر صده بین المللی برای ایجاد ثروت های جدید و بهبود زندگی است. نباید هر صده مبادلات بین المللی را در اختیار شرکت های چندملیتی خصوصی و معیارهای سودجویانه آنان قرار داد. باید خواست خلق سلاح را با خواست تعاون و همکاری بین ملت ها براساس سوددهی اجتماعی و مزیت متقابل برای خلق ها در زمینه ثروت های جدید و اشتغال همراه ساخت. پرسش - کتاب شما چنین تعاونی را نخست در چارچوب اروپای غربی پیشنهاد می کند. این نکته جدیدی است. آیا این امر با مبارزه علیه برنامه های جامعه مشترک اروپا در تضاد نیست؟ پاسخ - خیر، زحمتکشان و خلق های این قسمت از جهان با مسائل جدید و مشترکی روبرو هستند. گروه های سرمایه دار بیش از پیش خود را برای بهره برداری از بازار واحد آماده می کنند. کارفرمایان و نیروهای سیاسی حاکم بر مناطق مختلف فرانسه نیز چنین می کنند. دولت های نیز اختلاف هایشان به همین ترتیب عمل می نمایند. خانم تاچر با "افراملیت گرایی" مخالف است، اما با بازار واحد مخالف نیست، و انگلیسی ها در کلیه نهادهای جامعه مشترک مواضع جدیدی کسب می کنند. اتحاد شوروی، کوبا و بسیاری دیگر از کشورها با جامعه مشترک اروپا رابطه دارند. وقتی واقعییتی وجود دارد، حتی اگر به مذاق ما خوش نیاید، نباید

اجتماعی و ملی، ضرورت همکاری بین المللی برای بنای روابط اجتماعی مبتنی بر ارزش ها و معیارهای نوین را طرح نمود و پیش برد، ارزش ها و معیارهایی که با موازین سرمایه دارانه بازار مشترک تضاد دارند. اختلاف بین سندیکاها، بین احزاب کمونیست نباید مانع از این کار باشد، برعکس، این اختلافات باید ما را وادار سازند تا تماس ها و نزدیکی خود را در زمینه های مشخص اجتماعی، فرهنگی، مالی و سیاسی چند برابر کنیم. این به ما کمک می کند تا جدایی ها را پشت سر بگذاریم. بدون شک نزدیک کردن نیروها در فرانسه، اروپای غربی و فراتر از آن، بر این اساس هدف سیاسی دشواری است، ولی ناظر بر نیازی فوری است: زبان های ناشی از اقدام سرمایه دارانه کشورهای عضو بازار مشترک هم اکنون نیز بسیار گزاف و چشم انداز آن نیز تیره است. سردرگمی و پراکندگی کم نیست، اما اراده مبارزه نیز بالاست. برای آنکه مردم بتوانند به وضع خود سامان دهند، متحد شوند، نیرو بگیرند تا بتوانند سرمایه را در اروپای غربی بزانو در آورند، به یک چشم انداز بین المللی اکثریت نیاز دارند. این هدف سیاسی در واقع تداوم بسیج توده ها برای ایجاد تغییرات سیاسی در فرانسه است. امروز این یک ضرورت تاریخی و بی نظیر برای تأمین همبستگی بین المللی زحمتکشان و خلق هاست.

پرسش - چه عواملی امروز تعاون بین المللی خلق ها را تا به این حد ضروری می سازند؟ پاسخ - مقدم بر هر چیز شرایط تکنولوژیک و مالی جدید در هر صده بین المللی. سرمایه، شبکه ها و بازارهای بین المللی را برای به گردش انداختن اطلاعات و منابع مالی در مناطق مختلف جهان سازمان می دهد. شرکت های فول پیکر چندملیتی خصوصی و دولت های قدرتمند این حرکت را در دست دارند. خطر تشدید احتکار و بورس بازی و سرطان مالی بسیار زیاد است. همین طور

در سال ۱۹۸۶ سران کشورهای عضو بازار مشترک اروپا طرحی موسوم به اروپای ۱۹۹۲ یا بازار واحد را به تصویب رساندند. در ظاهر، هدف این طرح ایجاد یک رشته تغییرات نهادی از قبیل انتقال آزاد سرمایه ها، هماهنگ ساختن مقررات و قوانین مالیاتی و... برای تحکیم "اروپای واحد" در برابر آمریکا و ژاپن است. در واقع، این طرح تلاشی است برای تحکیم سلطه اقتصادی سرمایه های قدرتمند امپریالیستی بر کارگران و خلق های کشورهای اروپا.

اخیراً حزب کمونیست فرانسه کتابی تحت عنوان "اروپای ۱۹۹۲ چیزی دیگر به گونه ای دیگر بنا کنیم" به چاپ رسانده که در آن ضمن افشای ماهیت سرمایه دارانه و ضد مردمی "بازار واحد" پیشنهادات مشخصی برای بنان دادن اروپایی متکی بر همکاری و برادری خلق های اروپا و سایر نقاط جهان ارائه نموده است.

در زیر بخش هایی از مصاحبه فیلیپ هرز وگ، عضو هیئت سیاسی حزب کمونیست فرانسه و مولف کتاب مزبور که در شماره مارس نشریه ماهانه اقتصادی حزب "اقتصاد و سیاست" به چاپ رسیده، درج می گردد.

پرسش - هدف این کتاب چیست؟ پاسخ - این کتاب اساساً برای فعالیت اجتماعی و سیاسی و برای توده های وسیع مردم نوشته شده است. ۸ ماه پیش هنگامی که کار روی این کتاب را شروع می کردیم، هدفمان بررسی اهمیت مساله اروپا و تدقیق نظرات مان در این زمینه بود. بسیاری از فعالین سندیکاها، فعالین سیاسی، دوستان و همکاران از ما می خواستند برای برخورد با مسائل مربوط به اروپا نظرات خود را ارائه کنیم.

باین ترتیب مضمون سیاسی کار ما به تدریج تقویت شد. ما معتقدیم با بسیج نیروهای اجتماعی، سندیکایی و سیاسی که خطر اروپای واحد را می بینند و به چیز دیگری فکر می کنند می توان پروژه های سرمایه داری را با شکست مواجه ساخت و در جریان مبارزه مشترک، باتکیه بر پیشنهادات مشخصی که قادر به حل مسائل مشترک مردم فرانسه، اروپای بازار مشترک و سایر کشورهاست، می توان نیروها را به یکدیگر نزدیک کرد. به عبارت دیگر باید بادر نظر گرفتن مسائل

متوازن کردن موقعیت زحمتکشان، به هرز دادن تحقیقات علمی مشترک، تاسیسات زیربنایی که در انحصار گروه‌های فول‌پیکر است، نفوذ آمریکا و ژاپن... همه اینها در جامعه مشترک اروپا رخ می‌دهد و ضرورت هاجل آن است که فرانسوی‌ها، اسپانیایی‌ها، آلمانی‌ها و سایرین تعاون و همکاری ثمربخش خود را در تقابل با آن قرار دهند.

پرسش - در مورد مضمون پیشنهادات، و در نتیجه در مورد انتقاد و از آنچه سرمایه دست‌اندرکار ساختن آن است، آیا نکات جدیدی در کتاب شماست؟

پاسخ - بسیار زیاد. لاقلاً انتظار ما این است تجزیه و تحلیل دقیق این کتاب به درک آنچه سرمایه در جامعه مشترک اروپا دست‌اندرکار ساختن آنست، به درک هلت وجودی و همخوانی آن

کمک می‌کنند. این تجزیه و تحلیل سلاح لازم را برای انتقاد از تضادهای انفجارآمیز راه انتخاب شده توسط سرمایه فراهم می‌سازد. این تضادها عبارتند از: به هرز دادن منابع، ناهمخوانی، نزاع و درگیری، و این همه با وعده و وعیدهای سرمایه در خصوص اروپای ۹۲ در تضاد قرار دارد. هدف ما دقیقاً عبارت از آنست که با تکیه بر پیشنهادات اکثرانیوی که در جریان مبارزه طرح می‌شوند، دست به نوآوری بزنیم، ما خواهان ایجاد روابط اجتماعی متضاد با روابط مورد نظر سرمایه هستیم.

در هر کشور باید برای پاسخ گفتن به مسائل مشخص مبارزه کرد، مسائلی از قبیل ایجاد اشتغال، آموزش، تامین اجتماعی، خدمات، حقوق زحمتکشان، سلطان مالی و قدرت‌ها پیشنهاد ما آن است که نقاط اشتراک این مبارزات را برای نیل به دو هدف جستجو کنیم: دفاع و بسط تضمین‌های ملی، کاهش مداوم نابرابری‌های اجتماعی ساختاری در بین خلق‌های اروپا از طریق همکاری‌های جدید. این امر مستلزم چندین برابر شدن تماس و ملاقات بین کارگران و مردم در سطح کشورهای مختلف، در سطح کارخانجات و فیره است. کارگران و سندیکاها باید حق هماهنگ سازی سیاست‌های خود در هرصه بین‌المللی را بدست آورند.

ما خواهان همکاری‌های مولد،

تکنولوژیک و مالی جدید به منظور رشد فعالیت‌های اقتصادی و اشتغال و نیز مبادلات متقابل مفید هستیم. دگرگونی‌های مرتبط با پروژه اروپای مورد نظر سرمایه در سطح کارخانجات، در سطح خدماتی دولتی و در سطح مناطق، نتایج بی‌پایه دنبال داشته است. می‌توان نیروی زحمتکشانی را که علیه به هرز رفتن منابع مالی و انسانی، و برای همکاری واقعی متحد شده‌اند علیه آنها هدایت نمود. ابتدا باید همکاری در سطح کشور خود را بیاموزیم. مادر همین حین و بر همین اساس باید به هرصه بین‌المللی نیز بپردازیم بخش دولتی باید در این میان نقش اساسی بر عهده گیرد. فاجعه‌آور است اگر اجازه دهیم شرکت‌های چند ملیتی خصوصی انحصار روابط اقتصادی بین‌المللی را در دست بگیرند.

ما خواهان تغییر ساختار مالی و پولی جامعه مشترک اروپا به منظور مقابله با بورس بازی انگلی و موقعیت ممتاز دلار و مارک هستیم. ما همچنین خواهان تعاون و امنیت در سطح کل اروپا و بخصوص خواهان گسترش روابط مسالمت‌آمیز بین غرب و شرق هستیم و تلاش‌های سرمایه‌داری برای نفوذ مالی و فرهنگی در کشورهای سوسیالیستی را محکوم می‌کنیم. ما برای تغییر روابط بین کشورهای اروپایی و کشورهای رو به رشد، در وهله نخست آفریقا، ارجحیت استراتژیک قائلیم. ما خواهان آنیم که صدای زحمتکشان و مردم در خصوص آنچه در جامعه مشترک اروپا در فراسوی آن رخ می‌دهد، بیش از این شنیده شود. این نبردی است تاریخی برای گسترش حقوق و قدرت‌آحاد انسانی و مجامع مختلف آنان. ما خواهان اعمال قدرت دموکراتیک زحمتکشان و مردم به صورت مدیریت خودگردان به منظور حفظ سلطه خودی در هرصه ملی و بازسازی روابط در بین ملت‌ها هستیم.

تعاون مستلزم آن است که حاکمیت ملی هر چه بیشتر تحکیم گردد، نه بر هکس آن. ما خواهان اصلاحاتی هستیم که به خلق فرانسه اجازه می‌دهد بر منابع و دستاوردهای ملی خود مسلط گردد تا از این طریق بتواند در هرصه بین‌المللی دست به ابتکار عمل بزند. در این خصوص ما

طرح‌هایی در مورد " فعالیت‌های مختلف " ارائه می‌کنیم و بر اهمیت همکاری ملی و بین‌المللی نوین برای بخش دولتی تاکید می‌ورزیم. ما مکانیسم‌ها و تضادهای "فراملیت گرائی" را تشریح می‌کنیم و نشان می‌دهیم چگونه باید از نهادهای مشترک گوناگون تحت هدایت خلق‌ها و برای بنای مناسبات احتمالی جدید استفاده کرد.

پرسش - اما آیا می‌توان پروژه‌های سرمایه‌داران و رهبران دول سرمایه‌داری در جامعه مشترک اروپا را با شکست مواجه ساخت؟

پاسخ - آری، تکرار می‌کنم، برای آنکه پیروز شویم نباید صرفاً به انتقاد از آنچه انجام می‌دهند، بسنده کنیم بلکه باید چشم انداز دیگری ارائه نماییم. سردرگمی در بین مردم بسیار زیاد است. رهبران دست راستی و حزب سوسیالیست دست به مانور خواهند زد، حتی عقب‌نشینی خواهند کرد، تا بتوانند پروژه‌های خود را به نحو بهتری به مردم تحمیل کنند. به عنوان مثال، فرانسو امپیرتران قول خواهد داد که دولت از فرانسوی‌ها حمایت و از هداالت اجتماعی دفاع خواهد نمود... اما کدام دولت قادر به این کار است؟ همان دولتی که موجود مشوق بورس‌بازی و تزلزل موقعیت کارگران است؟ تنها راه برای دفاع از خود، برای تغییر و موفقیت عبارتست از تلاش برای گشودن چشم‌انداز مناسبات اجتماعی اکثرانیوی در روند مبارزه علیه اقدام سرمایه‌دارانه کشورها. پرسش - چرا کتاب به مسائل فرهنگی و مبارزه برای ارزش‌ها اهمیت بسیار زیادی قائل است؟

اعلامیه کمیته مرکزی.....

بقیه از صفحه ۲

مصرف و مسکن کارگری و اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل مبارزه کنید. برای تثبیت روز کارگر، به مثابه روز تعطیل رسمی و برگزاری آزادانه جشن اول ماه مه پیگیرانه تلاش کنید. کارگران و زحمتکشان پیشرو!

برای تحکیم صفوف رزمنده طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان، برای تامین اتحاد وسیع‌ترین اقشار خلق در مبارزه علیه رژیم ولایت فقیه، برای گسترش پیوندهای بین‌المللی طبقه کارگر و تحقق آرمانهای شریف اول ماه مه، به صفوف سازمان سیاسی خود، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بپیوندید.

در اهتزاز بادرچم اول ماه مه

زنده باد طبقه کارگر ایران - زنده باد سوسیالیسم

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) (اول اردیبهشت ۱۳۶۸)

پاسخ - چون مساله فرهنگ اهمیتی قاطع کسب می‌کند، همانطور که رئیس انجمن کارفرمایان فرانسه می‌گوید، برای او روند اقدام اروپایی مساله مرگ و زندگی و تحکیم نظام سرمایه‌داری است. برای ما این روند بعد جدیدی است از مبارزه اجتماعی و انقلابی. " اسطوره وحدت دولت‌ها نباید بر اهمیت همکاری بین خلق‌ها سایه اندازد. " در طول تاریخ، قدرت‌های سلطه‌گر و رقیب از اسطوره وحدت علیه خلق‌ها بهره‌برداری کرده‌اند. وحدت و تعاون واقعی نمی‌تواند بر اعمال سلطه مبتنی باشد. برای مقابله با این سلطه‌ها و برای همکاری و تعاون، خلق‌ها باید اهمیت مسائل بین‌المللی، استراتژیک، اقتصادی و مالی را درک کنند: این کاری انقلابی و در همین حال هاجل است.

ما متعقدیم مفهوم " خانه مشترک " که م. گارباچف آن را با هدف سازندگی مسالمت‌آمیز طرح نموده نیاز به تحقیق دارد. رهبران سرمایه‌داری می‌خواهند به روش خود این خانه را اشغال کنند. معیارهای سرمایه‌دارانه سودآوری، ارزش‌های سرمایه‌دارانه که توسط گروه‌های چند ملیتی و دولت‌ها ترویج می‌شوند، در اروپای غربی و فراسوی آن جای خود را باز کرده‌اند. نیروهای سوسیالیسم نباید صرفاً از سرمایه‌داری بیاموزند، بلکه باید آن را پشت سر بگذارند. سوسیالیسم، و ما که حامل آنیم، باید با قدرت تمام مبارزه سیاسی و فرهنگی برای پشت سر گذاشت سرمایه‌داری در هرصه مدیریت و سازماندهی را پیش ببریم. این وظیفه ماست. مردم بر این اساس در مورد ما تضاد خواهند کرد.

پلنوم فوق العاده حزب کمونیست اتحاد شوروی

اکنون کمیته مرکزی با یک پارچگی بیشتری جهت پیش بردن نوسازی به کار خواهد پرداخت. به ویژه در شرایط حساس کنونی وظیفه کمیته مرکزی دشوارتر از همیشه است. در شرایط امروزی اتحاد شوروی که بازنگری اساسی به راه طی شده صورت می گیرد، رهبری حزب وظیفه سنگین تدوین و هدایت این امر را بر عهده دارد. میخائیل گارباجف بارها به این امر اشاره کرده بود که در شرایطی که بخشی از کمیته مرکزی به روند نوسازی بادیبنی می نگرند و با سیاست همومی حزب هم گام نیست، نقش هدایت گر و رهبری کننده کمیته مرکزی را کاهش داده، انرژی آن را به اتلاف می کشاند.

اکنون باید شاهد تحریک بیشتر کمیته مرکزی در هرصه تدوین سیاست و هدایت حزب و کشور بود. امری که در شتاب بیشتر تحولات ژرف در جامعه شوروی بازتاب خواهد یافت.

مدتها قبل رهبری حزب را جهت تغییر ساختار کمیته مرکزی و کناره گیری آن بخش از اعضای آن که در روند نوسازی شرکت فعال ندارند، تحت فشار قرار داده، خواهان برگزاری این پلنوم شده بودند. میخائیل گارباجف خود در هفته های اخیر گفته بود: "پیش بردن نوسازی با شیوه های کهنه اداری امکان پذیر نیست." او از قول سازمان های حزبی گفت: "به ما انتقاد می کنند که روند نوسازی باکندی پیش می رود. این امر باید تغییر یابد." پس از انتخابات شوروی نمایندگان خلق، در گزارش مربوط به نتایج این انتخابات نوشتیم که شکست ۴۰ درصد از کاندیداهای حزب کمونیست در انتخابات و به ویژه آن کاندیداهایی که نظر موافق نسبت به سیاست حاکم بر حزب و امر نوسازی ندارند، در درجه اول نشان گر حمایت مردم از سیاست حزب است و این امر ارگان های مربوطه حزبی را به خود مشغول خواهد ساخت.

انتخابات اخیر اشاره کرد و گفت: "این امر وضعیت را تغییر اساسی داده است." در میان کسانی که از عضویت در کمیته مرکزی استعفا داده اند، نام شخصیت های رهبری کننده حزب و دولت در سال های طولانی به چشم می خورند. از جمله آندره گرومیکو، حیدر علی اف، سولومنتسف، سمیانین، ویکتور تیخونف (نخست وزیر آخرین سال های دوران برژنف)، باریکف و دمیترچیان رهبران برکنار شده احزاب کمونیست آذربایجان و ارمنستان، بوریس پونوماریف، فداسیف، الکساندروف رئیس سابق آکادمی علوم.

پیرامون این پلنوم کمیته مرکزی و کناره گیری یک سوم اعضای آن (تعداد اعضای کمیته مرکزی تاکنون ۳۰۱ نفر بود) هنوز اطلاعات دقیقی منتشر نشده است. آن چه روشن است این است که اعضای حزب و سازمان های پایه ای حزب از

پلنوم فوق العاده کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی روز سه شنبه ۲۵ آوریل تشکیل شد. این پلنوم یک روزه کار خود را به تغییر سازمان دمی کمیته مرکزی اختصاص داد. در این روز ۱۱۰ نفر از اعضای کمیته مرکزی (۸۳ عضو ثابت، ۲۷ کاندید عضو) ۱۲ نفر از اعضای کمیسیون بازرسی مرکزی طی اطلاعیه ای به کمیته مرکزی از مسئولیت های خود کناره گرفتند. میخائیل گارباجف در سخنان خویش در پلنوم به محتوا و کیفیت کاریکای اعضای کمیته مرکزی در ماه های اخیر اشاره کرد و گفت: "امیدوارم شما درک کنید که من وقتی درباره همه این مسائل صحبت می کنم، قصد تمجید از کار کمیته مرکزی و پیچیدن فعالیت آن در زورق "راندارم" نه، همه مادر این سالن تصویر واقعی کار کمیته مرکزی را همان گونه که هست می شناسیم." گارباجف در ادامه سخنان خویش به شکست برخی از شخصیت های حزبی در

تلاش افراطیون افغانی برای تحمیل گرسنگی به مردم



آینده کودکان افغانی دستخوش مصلع جنگ افروزان

عملیات نظامی برای تسخیر جلال آباد در اوایل ماه مارس توسط مشاوران دولتی پاکستان طراحی شد. در این جلسات سفیر آمریکا در پاکستان شرکت داشته است و از مجاهدین افغانی هیچ کس در طراحی عملیات شرکت داده نشده است. یکی از مشاوران بی نظیر بوتو گفت شرکت مشاوران دولت پاکستان به این دلیل بوده است که مجاهدین افغانی پس از عقب نشینی نیروهای شوروی تاکنون هیچ گونه پیروزی نظامی بدست نیاورده اند.

وزیر دفاع افغانستان در مصاحبه ای با خبرگزاری باختر گفت اکنون زمان آن است که کناره گیری کاربرد شیوه های سیاسی برای مقابله با اپوزیسیون مسلح، شیوه های نظامی را نیز گسترده تر به کار گیریم. او که پیرامون حملات موشکی مجاهدین به شهرهای افغانستان و حمایت نظامیان پاکستانی و دولت هریستان سعودی گزارش می داد، ادامه داد: "نظامیان پاکستانی باید بدانند که به همان راحتی که مناطق مرزی کشور ما مورد حملات موشکی قرار می گیرد، مناطق مرزی پاکستان نیز می توانند مورد حملات موشکی قرار گیرند. تحمل ما مرز معینی دارد."

هیدالوکیل وزیر امور خارجه افغانستان روز دوشنبه ۲۴ آوریل در شورای امنیت سازمان ملل متحد اعلام داشت، مجاهدین افغانی با اعمال محاصره اقتصادی شهرهای شرق افغانستان و کابل در تلاش تحمیل گرسنگی به مردم و افزایش فشار بر آنها هستند.

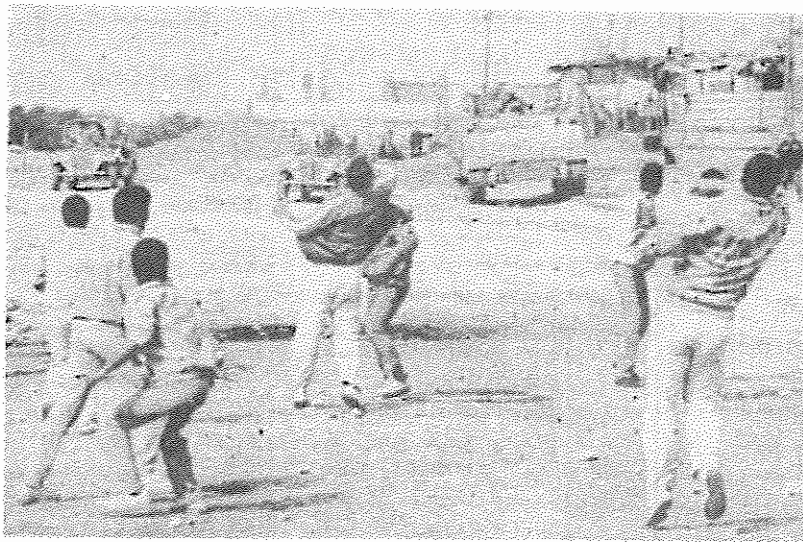
ارتش افغانستان در روزهای اخیر جاده پلنگ، که کابل را به مرز اتحاد شوروی وصل می کند، را مجدداً آزاد ساخت. براساس گزارش های مختلف، تحمیل گرسنگی به مردم کابل برخلاف انتظار ضدانقلاب نه تنها اراده مردم را سست نکرده، بلکه نفرت آنها را از این گونه اقدامات فزون ساخته است. وزیر امور خارجه افغانستان دوباره بر آمادگی دولت خود برای تشکیل دولت ائتلافی وسیع با شرکت تمامی نیروهایی که در جامعه افغانستان در میان بخش هایی از مردم پایگاه دارند، تاکید کرد. او گفت دولت افغانستان برای برقراری صلح و قطع خون ریزی از هیچ اقدامی فروگذار نخواهد کرد. دولت افغانستان از همه نیروهای ترقیخواه جهان خواست تمام تلاش خود را برای پایان یابی خون ریزی در افغانستان به کار گیرند. از سوی دیگر روزنامه "نیویورک تایمز" نوشت،

بزرگترین اعتصاب کارگری سال‌های اخیر در اسپانیا

دو میلیون کارگر اسپانیایی از روز پنج‌شنبه ۲۷ آوریل وارد اعتصاب شدند. این اعتصاب که تا روز اول ماه مه به طول می‌انجامد با هدف افزایش مزد و اعتراض به سیاست‌های دولت سوسیالیست فیلیپ گونزالس، توسط سندیکا‌های کارگری سازمان یافت. پس از افزایش شکاف میان دولت و سندیکای سوسیالیستی U.G.T، این سندیکا در موضع اپوزیسیون قرار گرفته، به وحدت عمل با کمیسیون‌های کارگری (CCOO) پرداخته است. برای اولین بار برگزاری جشن اول ماه مه توسط این دو سندیکا متحد اعلام شده است. سندیکای U.G.T مردم را فراخوانده است، در انتخابات پارلمان اروپا به کاندیدهای حزب سوسیالیست رای ندهند.

تسلیم آفریقای جنوبی به سلاح اتمی توسط غرب

انستیتو بین‌المللی تحقیقات صلح در گزارشی که روز چهارشنبه ۲۶ آوریل انتشار داد، اعلام کرد ایالات متحده آمریکا، آلمان فدرال، فرانسه، انگلیس، اسرائیل و سایر کشورهای صنعتی غرب تحریم تسلیحاتی علیه آفریقای جنوبی که در سال ۱۹۷۷ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شده بود را کاملاً نادیده گرفته‌اند و آشکارا انواع سلاح‌ها را در اختیار رژیم نژادپرست قرار داده‌اند. فراتر از آن آفریقای جنوبی دارای سلاح هسته‌ای شده است. این امر توسط قاچاقچیان اسلحه، جعل مدارک صدور تسلیحات و با توسل به تشکیل شرکت‌های "اکاذی" صورت گرفته است.



ارتش اسرائیل با تانک و سلاح گرم به جنگ کودکان و نوجوانان رفته است
در روزهای ۲۲ و ۲۳ آوریل دو جوان در نوار غزه کشته شدند.

نخست وزیر زلاندنو: کشور ما عاری از سلاح هسته‌ای خواهد ماند!

دیوید لانگ، نخست‌وزیر زلاندنو که مشغول دیدار از آمریکا است، طی مصاحبه‌ای در واشنگتن گفت کشور او سیاست حفظ منطقه عاری از سلاح هسته‌ای را قاطعانه ادامه خواهد داد و به هیچ سازشی پیرامون این امر با آمریکا تن در نخواهد داد. او گفت مجازات‌های مهم‌جانه علیه زلاندنو که از سال ۱۹۶۸ توسط آمریکا دنبال می‌شود، ظاهراً برای هبرت‌گیری سایر کشورهاست.

۲۴ آوریل سالگرد کشتار دو میلیون ارمنی توسط دولت ترکیه

۵۵۰ هزار نفر از مردم جمهوری شوروی ارمنستان در ایروان به یادبود کشتار ارمنیان توسط دولت ترکیه در سال ۱۹۱۵ به راه‌پیمایی پرداختند. راه‌پیمایان با دسته‌های گل پیرامون بنای یادبود که روی تپه‌ای در ایروان قرار دارد، گرد آمدند. برای اولین بار روز ۲۴ آوریل در ارمنستان تعطیل رسمی اعلام شد. این تصمیم در سال گذشته توسط شورای عالی جمهوری گرفته شده است.

حمایت مالی آمریکا از ضدانقلاب نیکاراگوئه در انتخابات

ایالات متحده آمریکا در نظر دارد گروه‌های ضدانقلابی نیکاراگوئه را در مبارزه انتخاباتی (که در ماه فوریه ۱۹۹۰ برگزار می‌گردد) مورد حمایت کامل مالی قرار دهد. روزنامه "نیویورک تایمز" ضمن پخش این خبر افزود که ۲ میلیون دلار جهت چاپ پوسترهای تبلیغاتی و آگهی‌های سیاسی و برگزاری گردهمایی‌های انتخاباتی در نظر گرفته شده است. علاوه بر آن مبلغ ۱۰۰ هزار دلار که تاکنون سالانه برای انتشار روزنامه اپوزیسیون "لاپرنسا" پرداخت می‌شد، به ۲۲۰ هزار دلار افزایش خواهد یافت. میزان ۱۷۴ هزار دلار نیز جهت آموزش گروه‌ها برای شرکت در مبارزه انتخاباتی و چگونگی پیشگیری تاکتیک‌های انتخاباتی در نظر گرفته شده است.



۸ سال جنگ در السالوادور: تصویری از وقایع و زمره

درگذشت هورست اشمیت رهبر حزب سوسیالیست متحده برلین غربی



جنبش بین‌المللی کمونیستی و کارگری یکی از برجسته‌ترین رزمندگان خود را از دست داد. رفیق هورست اشمیت، رهبر حزب سوسیالیست متحده برلین غربی روز یکشنبه ۲۳ آوریل پس از یک بیماری سخت و طولانی در سن ۶۳ سالگی درگذشت.

هورست اشمیت در ماه دسامبر ۱۹۲۵ در یک خانواده کارگری در برلین پایه‌جهان گذاشت. سال‌های بحران همومی سرمایه‌داری و به‌همراه آن قدرت‌گیری فاشیسم هیتلری چهره خشن امپریالیسم آلمان را به او نشان دادند، او با وجود سن کم به جنبش مقاومت ضد هیتلری پیوست و با وجود اختناق وحشتناک فعالیت زیرزمینی خود را ادامه داد. پس از مدت‌ها تعقیب توسط جنایتکاران هیتلری، دستگیر و به اردوگاه کار اجباری فرستاده شد. بسیاری از افراد خانواده و نزدیکان او توسط فاشیست‌ها به قتل رسیدند. این تجربه‌های تلخ سال‌های جوانی تأثیری عمیق بر زندگی رفیق هورست گذاشته، در تمام طول زندگی او به‌همراه او بودند.

۸ ماهه ۱۹۴۵، روز رهایی جهان از فاشیسم، روز آزادی رفیق اشمیت نیز بود. پس از رهایی بلافاصله به جنبش دموکراتیک ضد جنگ و فاشیسم پیوست. در سال ۱۹۴۶ به عضویت حزب درآمد. در سال ۱۹۷۶ جانشین دبیر اول و

در سال ۱۹۷۸ به سمت دبیر اول حزب سوسیالیست متحده برلین غربی انتخاب شد.

از خصوصیت‌های برجسته رفیق هورست تسلط او بر تئوری سوسیالیسم علمی و کاربرد خلاق آن بود. بر بستر گنجینه عظیم تجربه‌ها و اندیشه علمی او است که حزب همواره براساس اندیشه مارکسیسم - لنینیسم خلاقانه در شرایط پیچیده برلین غربی فعالیت می‌کند.

دبیرخانه حزب سوسیالیست متحده برلین غربی در اطلاعیه‌ای که به‌مناسبت مرگ رفیق اشمیت انتشار داد، می‌نویسد: "قاطعیت رفیق اشمیت و وفاداری او به اصول همیشه احترام همگان را جلب کرده است. او همواره با روح انترناسیونالیسم پرولتری برای منافع جنبش جهانی کمونیستی و کارگری فعالیت می‌کرد."

نگاهی به رویدادها در جمهوری خلق چین

"امروز باید پرداخت، فردا گرانتر خواهد بود!"

به‌سوی میدان "صلح آسمانی" پرداختند. در این روز بیش از یک میلیون نفر از مردم پکن محل‌های کار خود را ترک کرده، در مسیر راه‌پیمایی گردآمدند.

دانشجویان خواست‌های خود را در هفت محور بیان داشته‌اند. از جمله این خواست‌ها دموکراسی گسترده و آزادی مطبوعات، مبارزه با فساد و رشوه‌خواری در درون حزب، انتشار میزان درآمد کادرهای حزبی و بیان روشن دلایل کنارگذاشتن هوئیائو بانگ، دبیرکل حزب تا سال ۱۹۸۷ و اعاده حیثیت کامل از او است.

دولت چین تاکنون بارها خواستار پایان یابی راه‌پیمایی‌ها شده است و هر نوع گردهمایی را ممنوع اعلام کرده است. این امر از جانب "کمیته‌های دانشجویان" نادیده گرفته شده است. در همین حال با وجود حضور گسترده نیروهای انتظامی، هر دو طرف از کار بست خشونت و زور خودداری کرده‌اند.

روزنامه "رن مین ریائو" ارگان حزب کمونیست چین تظاهرات دانشجویی را شدیداً مورد حمله قرار داد. این روزنامه در سرمقاله‌ای تحت عنوان "با قاطعیت علیه شورش‌ها مبارزه کنیم!" به این مناسبت نوشت: "گرامیداشت یاد رفیق هوئیائو بانگ توسط دانشجویان، از سوی مشت‌های عناصر مخرب مورد سوءاستفاده قرار گرفته تا شعارهای ناسالم را گسترش دهند و با انتشار روزنامه‌های دیواری بقیه در صفحه ۱۱

اکنون بیش از دو هفته است پکن پایتخت جمهوری خلق چین شاهد تظاهرات عظیمی است که توسط دانشجویان دانشگاه‌های پکن سازمان‌یابی می‌شوند. کلیه کلاس‌های بیش از ۳۰ دانشگاه تعطیل شده‌اند. فراخوان‌های متعدد حزب کمونیست و دولت چین برای پایان یابی تظاهرات تاکنون بی‌نتیجه بوده‌اند و میدان "صلح آسمانی" در پکن هم‌چنان صحنه گردهمایی‌های بزرگ دانشجویان و مردمی است که با آنها ابراز همبستگی می‌کنند.

درگذشت هوئیائو بانگ رهبر سابق حزب کمونیست چین در روز شنبه ۱۴ آوریل ۱۹۸۹ آغازگر این حرکت دانشجویان بود. گردهمایی‌ها، انتشار روزنامه‌های دیواری و بحث‌های داغ میان دانشجویان که در هفته اول در محدوده دانشگاه‌ها صورت می‌گرفتند، در هفته دوم به خیابان‌های پکن کشیده شدند. "کمیته‌های دانشجویان" که در کنار سازمان‌های رسمی دانشجویی تشکیل شده‌اند، سازمان‌دهی حرکات اعتراضی را برعهده گرفته‌اند. یکی از دانشجویان سازمان‌گر به یکی از خبرگزاری‌های غربی گفت: "اما برای انتقال نظرات خود به مردم و روشن‌گری در میان آنها به خیابان‌ها آمده‌ایم." روز چهارشنبه ۲۶ آوریل بیش از ۱۰۰ هزار نفر (و به گزارش خبرگزاری‌های غربی ۲۰۰ هزار نفر) از دانشجویان به راه‌پیمایی

خاندهام کجاست

گزارش دریافتی از آتن در مورد وضعیت پناهندگان

چشم‌پای را از هم باز می‌کند. در واقع در "کاروانسرا" شب و روز هیچ فرقی نمی‌کند. روزها از آفتاب و روشنایی زنده و شب‌ها از برق محروم است. وارد آشپزخانه که می‌شوی، می‌بایست بینی‌ات را با دستمال بگیری. بوی تعفن و نم بقدری شدید است که فیر از آن کاری نمی‌شود کرد. آسمان ابری نیست و سیل نیامده است ولی کف آشپزخانه را آب فرا گرفته است. بقیه در صفحه ۶

"هتل کایروستی نامی آشنا برای هر پناهنده آواره دور از وطن - در آتن - است. هر تازه‌وارد قریب و ره‌گم کرده‌ای برای بیتوته کردن و انتظار، آنجا را سراغ می‌گیرد. کایروستی کجاست؟ - آنجا که خیل پناهنده‌ها زندگی می‌کنند. وقتی وارد - به گفته‌ی پناهنده‌ها - "کاروانسرا" می‌شوی قبل از هر چیز بوی گند و تندلای مردم مشامت را پرمی‌کند. روز است ولی صحن تاریک هتل

AKSARIYAT
NO. 255
MONDAY, 1 MAY 1989

آدرس: Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی:
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
IBANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT
NR. 02910701-650
DR. GERTRAUD ARTNER

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید